

آینده‌پژوهی رابطه ویژه آمریکا و بریتانیا در دوره پسابرجزیت

علی محمدیان^۱

دانشجوی دکترای روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران،
گروه روابط بین الملل، تهران، ایران

احمد نقیب زاده

استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت ۹۸/۲/۲۷ - تاریخ تصویب ۹۸/۹/۵)

چکیده

برگزاری فراندوم ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶ و رأی بالای ۵۱ درصدی به جدایی بریتانیا از اتحادیه اروپا موجب بروز ابهامات متعدد و عدم قطعیت‌های فراوانی برای محققین سیاست خارجی در خصوص آینده سیاست‌های بریتانیا در سطح داخلی و بین‌المللی شده است. یکی از این عدم قطعیت‌ها مربوط به آینده روابط ویژه بین بریتانیا و آمریکا می‌باشد که تاکنون جایگاه ویژه و منحصر به فردی در سیاست خارجی آن کشور داشته است. بریتانیا و آمریکا از کشورهایی هستند که در طول دهه‌های گذشته روابط و همکاری‌های منحصر به فردی در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای باهدف دستیابی به منافع مشترک داشته‌اند. بدین ترتیب مقاله پیش رو درصدد است تا بر اساس روش توصیفی-تحلیلی، با تأکید بر رویکرد آینده‌پژوهی و با استفاده از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده به این پرسش پاسخ دهد که روابط ویژه آمریکا با بریتانیا در دوره پسابرجزیت به چه صورتی پیش خواهد رفت؟ بدین ترتیب پس از بررسی روابط دو کشور در طی سالیان گذشته و با استفاده از سه سناریوی (مطلوب، محتمل و ممکن) آینده دو کشور با تأثیرپذیری از محیط بین‌الملل و به ویژه اتحادیه اروپا با تکیه بر اهمیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی قابل درک خواهد بود. آنچه این تحقیق پیش روی محقق قرار می‌دهد آن است که خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا نه تنها خللی در روابط دو کشور وارد نخواهد کرد بلکه بریتانیا را مصمم خواهد ساخت تا با جدیت بیشتری این رابطه را پی گیرد.

واژه‌های کلیدی: روابط ویژه، آمریکا، بریتانیا، سناریو، پسابرجزیت.

Email: ir_a.mohammadian@yahoo.com

^۱ نویسنده مسئول

فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال دوازدهم، شماره ۴۷، پاییز ۱۳۹۸، صص. ۷۱ - ۱۲۰.

مقدمه

با پیروزی کمپین برگزیت در ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶ عدم قطعیت‌های فراوانی در رابطه با آینده آن کشور در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، قانون اساسی و ... مورد توجه محققان و رصد کنندگان تحولات آن کشور قرار گرفته است به نظر می‌رسد با توجه به شکل ویژه برگزیت، احتمالاً چشم‌اندازهای سیاسی، هزینه‌های اقتصادی، فرصت‌های تصمیم‌گیری و تأثیرات آن بر سیاست داخلی و خارجی بریتانیا متفاوت و متنوع خواهد بود. این کشور در دوره پسابگزیت نه تنها با اماواگرهای فراوانی در سطح بین‌المللی روبروست بلکه در سطح داخلی نیز با مشکلات فراوانی از جمله استقلال اسکاتلند و یا موضوع ایرلند شمالی مواجه است؛ بنابراین عدم قطعیت‌های ایجاد شده به واسطه خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا نگرانی‌های ویژه‌ای در خصوص موضع بریتانیا در دوره پسابگزیت به دلیل تقویت جایگاه سیاست خارجی آن کشور از طریق عضویت تقریباً ۴۵ ساله خود در اتحادیه اروپا ایجاد کرد. به هر حال، تداوم و یا عدم تداوم رابطه ویژه از عدم قطعیت‌هایی است که در دوره پسابگزیت مهم به نظر می‌رسد و موضوع این تحقیق می‌باشد.

رابطه دو کشور سابقه‌ای طولانی دارد اما بیان اصطلاح رابطه ویژه برای اولین بار به وینستون چرچیل در سال ۱۹۴۶ برمی‌گردد که باهدف بیان تفاوت نزدیکی و صمیمیت ویژه دو کشور از روابط دوجانبه عادی بود (Dumbrell, 2006: 11-12). امروزه این اصطلاح علاوه بر تحت تأثیر قرار دادن روابط دوجانبه دو طرف دارای تأثیرات گسترده‌ای بر نقش دو کشور در سازمان‌ها و بحران‌های بین‌المللی می‌باشد. برای بریتانیا رابطه ویژه بخش مهمی از هویت سیاسی خارجی آن کشور است (Gaskarth, 2013: 59-70) تا بتواند به سیاست‌ها و اهداف مورد نظر که بی‌ربط با دوران امپراتوری و بازگشت به جایگاه حداقلی از آن دوران نیست، دست یابد. بریتانیا همواره درصدد بوده تا با عضویت در اتحادیه‌هایی (مانند ناتو) که ایالات متحده در آن‌ها نقش داشته همکاری نماید؛ اما از عضویت در اتحادیه اروپا، باهدف مقابله با همگرایی سیاسی اروپا اجتناب می‌نمود؛ زیرا لزومی برای درگیر شدن در مسائل داخلی اروپا احساس نمی‌کردند و خود را برتر از اروپایی‌ها (Forester, 2000)

(63-44) می‌دانستند؛ بنابراین درصدد بودند تا ضمن اقناع کشورهای تحت نفوذ از ورود آن‌ها به جامعه و تحقق همگرایی اروپا ممانعت کنند. درنهایت، عضویت بریتانیا بر اثر فشارهای غیرمستقیم آمریکا، بحران سوئز و مشکلات اقتصادی آن کشور صورت گرفت؛ البته، این عضویت به معنای همگرایی کامل با اتحادیه نبود و همواره نسبت به ادامه و یا خروج آن کشور شک و گمان‌ها و همه‌پرسی‌هایی در این خصوص وجود داشته است که آخرین مورد آن به ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶ برمی‌گردد. نتایج این فراندوم شوک بزرگی به نخبگان سیاسی کشور بود و علاوه بر استعفای کامرون موجب کاهش ارزش پوند به پایین‌ترین سطح در برابر دلار در طی ۳۰ سال گذشته شد.

حضور بریتانیا در اتحادیه اروپا در چند دهه گذشته حاوی منافع مهمی برای آمریکا بود؛ اما انتظار می‌رود با اجرای برگزیت تغییرات چشمگیری در سیاست خارجی بریتانیا اتفاق خواهد افتاد که از جمله آن می‌توان به رابطه ویژه اشاره داشت. گرچه مقامات بریتانیایی ضمن تأکید بر عدم تأثیرگذاری برگزیت بر توافقنامه‌ها و تعهدات امنیتی، اعلام کرده‌اند که همکاری دوجانبه بریتانیا و آمریکا تحت تأثیر برگزیت قرار نخواهد گرفت (Ackerman, 2016)، اما امروزه و باگذشت بیش از ۷۰ سال از رابطه ویژه و با توجه به تلاش و اقدامات اجرایی بریتانیایی‌ها به منظور خروج از اتحادیه اروپا، این سؤال مطرح خواهد شد که: رابطه ویژه آمریکا با بریتانیا در دوره پسابریگزیت به چه صورتی پیش خواهد رفت؟ فرضیه پژوهش حاضر آن است که: بریتانیا با تکیه بر امکانات و توانمندی‌های داخلی، ملزومات خارجی و شناخت صحیح از منافع ملی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی درصدد ارتقای جایگاه از دست‌رفته‌اش بوده و در راستای رسیدن به آن اهداف قصد تعامل بیشتر با آمریکا را دارد و درصدد است تا با بهره‌گیری از تجارب دوران امپریالیستی، عضویت چندساله در اتحادیه اروپا، شورای امنیت و ناتو به دنبال اتخاذ راهبردی جدید با آمریکا در راستای حفظ جایگاه فعلی و دستیابی به جایگاه گذشته خود باشد.

با توجه به نگاه سؤال، رویکرد آینده‌پژوهی و از میان روش‌های متعدد آن، سناریونویسی از روش‌هایی خواهد بود که برای بررسی موضوع از آن استفاده خواهد شد؛ بنابراین

سناریوها در سه بخش، سناریو مطلوب، محتمل و ممکن بررسی خواهند شد. شیوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و استفاده از متون اینترنتی است. منابعی که در این مقاله از آنها استفاده شده است به دودسته فارسی و انگلیسی تقسیم می‌شوند ولی کوشش شده تا از منابع غیرفارسی استفاده بیشتری شود. مقاله حاضر در چهار بخش سازمان‌دهی شده است: در بخش اول با توجه به موضوع تحقیق به بحث آینده‌پژوهی در چهارچوب نظری پرداخته خواهد شد. از آنجایی که موضوع تحقیق ریشه در تاریخ دارد بنابراین لازم است در بخش دوم ریشه‌های روابط تاریخی دو طرف بررسی گردد. در بخش سوم سناریوهای مطلوب، محتمل و ممکن ارائه خواهند شد. در نهایت، به ارائه نتایج حاصل از تحقیق خواهیم پرداخت.

۱) چارچوب نظری

الف: آینده‌پژوهی

سرعت تغییرات در جامعه چنان سرسام‌آور است که دیگر نمی‌توان از روش‌های سنتی استفاده نمود و بایستی تلاشی سیستماتیک برای پیش‌بینی تحولات آینده با استفاده از مطالعه‌ای فشرده در خصوص روندهای تاریخی و اخیر انجام گیرد. آینده‌پژوهی^۱ به توصیف، توضیح و ارائه دید وسیع از پدیده‌های اجتماعی و فرایندهای متغیر و توسعه حوزه‌های مختلف بشری می‌پردازد. این روش، تفکرات فلسفی و روش‌های علمی و مدل‌های مختلف بررسی و مطالعه آینده را مطرح و با استفاده از آنها، آینده‌های بدیل و احتمالی را ترسیم می‌نماید؛ آینده‌پژوهی، ابزاری برای مهندسی هوشمندانه آینده است. (ناصرآبادی، ۱۳۷۹: ۲۵) جیمز دیتور مدعی است، آینده‌پژوهی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و در صورتی که سازمان، کشور و تمدنی، تصویری از آن نداشته باشند، محکوم به شکست است ((Dator, 2002). با مورد توجه قرار گرفتن آینده‌پژوهی، دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ عصر طلایی

¹ Future Studies

آینده پژوهی بود که شکلی رسمی و سازمانی به خود گرفت و از دهه ۸۰ میلادی حجم انتشارات علمی مرتبط با آن افزایش یافت. نخستین پژوهش نظری مرتبط با آینده پژوهی توسط برتراند دوژنل انجام گرفت و با اشاره به این که هیچ واقعیتی در مورد آینده وجود ندارد نتیجه گرفت که یافتن مدارک و استنتاجات برای آینده نیازمند روش‌های غیرمتداول است. این رشته در ابتدای دهه ۱۹۹۰ مورد استقبال برنامه ریزان قرار گرفت. به گونه‌ای که سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل، سازمان توسعه صنعتی ملل متحد و اتحادیه اروپا، مراکزی را جهت پرداختن به آینده پژوهی تأسیس کردند. (قدیری، ۱۳۸۶) هدف آینده پژوهان ابداع یا استخراج، بررسی، ارزیابی و نهایتاً ترسیم تصویری روشن از سه آینده است: ۱. آینده مطلوب، به معنای در نظر گرفتن مطلوب‌ترین رویدادها برای وقوع در آینده. ۲. آینده محتمل، یعنی در نظر گرفتن رویدادهایی که بیشترین احتمال را برای وقوع در آینده دارند. این رویدادها می‌توانند به صورت بسط روندهای گذشته در آینده، به طرق مختلف در نظر گرفته شوند. ۳. آینده ممکن، یعنی در نظر گرفتن کلیه رویدادها اعم از بد، خوب، محتمل و یا ضعیف الامکان که می‌توانند در آینده اتفاق بیافتند. (مظفری، ۱۳۸۸: ۳۵) اینکه آینده چگونه می‌تواند باشد، احتمالاً چگونه خواهد بود و چگونه باید باشد. طرح چپستی دیدگاه‌های آینده‌نگر به جوامع بشری امکان می‌دهد تا فرایند تصمیم‌گیری سیاست‌گذاری و تدوین برنامه‌های اقدام اجتماعی را به گونه‌ای روزافزون عقلایی کنند. (علیزاده، ۱۳۸۷: ۱۳).

امروزه، دو رویکرد اساسی در علم آینده پژوهی وجود دارد. رویکرد اول را اصطلاحاً پیش‌بینی می‌نامند. این رویکرد به دنبال شناسایی آینده و نه صرفاً پیش‌گویی آن است و بر اساس ارزش پیش‌بینی در سودمندی آن است نه در تحقق آن، همچنین در جهت پیشبرد اهداف این رویکرد که همزمان با شکل‌گیری علم آینده پژوهی ظهور یافت - بیش از یک‌صد تکنیک توسعه یافته است. رویکرد دوم که در چند دهه اخیر به آن توجه ویژه‌ای شده است و در جایگاه بسیار مهمی قرار دارد آینده‌نگاری است. در این رویکرد، پارادایم اصلی شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا است. لذا آنچه در قبال آینده مهم است، تعالی آن است و نه

پیش‌بینی آن (خزایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۴) متخصصان آینده‌پژوهی روش‌های متعددی برای این رشته ارائه داده‌اند. اساکول (۱۳۸۴) یازده روش: تحلیل ساختارشناسی، پیمایش محیطی، ذهن‌انگیزی، تحلیل ریخت‌شناسی، گذشته‌نگری، درخت وابستگی، چرخه آینده، تحلیل فراگیر، استنتاج روند، دلفی و سناریونویسی را برای آن برشمرده است که در مقاله حاضر از میان این روش‌ها، سناریو پردازی به‌منظور درک الزامات آینده رابطه ویژه معرفی می‌شود.

ب. سناریو نویسی

آینده‌پژوهان با بررسی و تحلیل‌های گوناگون درصدد پیش‌بینی آینده هستند که به‌صورت سناریو یا داستان مطرح می‌شود. (Cohen, 2001: 9) سناریو شیوه‌ای برای مطالعات آینده است که در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های دولت‌ها، مدیریت شرکت‌ها و تحلیل‌های نظامی نقش مهمی ایفا کرده و به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کند تا بتوانند عدم قطعیت‌های پیش‌رو را مدیریت نمایند (Mietzner & Rege, 2005). سناریو پردازی تکنیکی شناخته‌شده برای اندیشیدن و برنامه‌ریزی پیرامون آینده‌های ممکن و رویکردهای منعطف برای دستیابی به استنباطی درست از اوضاع و گرایش‌های پیچیده است که مبتنی بر عدم ثبات و تغییر مداوم یک پیش‌بینی می‌باشد و شامل تصاویری از آینده مطلوب، محتمل و ممکن باهدف مورد آزمایش قرار دان عملکرد سیاست‌ها و استراتژی‌های اتخاذشده در برابر چالش‌های موجود آینده با ایجاد و ترسیم فضایی از ممکنات است. سناریوها تنها به حدس زدن در مورد آینده اکتفا نمی‌کنند بلکه به ما کمک می‌کنند چگونه در شرایط محیطی متفاوت به آینده بیندیشیم و به تصمیم‌گیری و مدیریت آینده بپردازیم (Makridakis & Wheelwright, 1989: 215). سازمان‌ها با تفکر درباره سناریوهای آینده، نسبت به منطقت تغییرات، نیروهای پیشران، بازیگران و عوامل کلیدی و مؤثر در محیط فعالیت خود درک بهتری کسب کرده و پتانسیل تأثیرگذاری خود را بهتر تشخیص می‌دهند. (لیندگرن و هانس، ۱۳۸۶: ۳۸۸) هدف سناریو پیش‌بینی نیست و تفاوت‌های

زیادی با روش‌های سنتی در این خصوص دارد. از تفاوت برنامه‌ریزی سنتی سناریو با روش‌های سنتی و قدیمی می‌توان به تمرکز بر متغیرهای کیفی، تأکید بیشتر بر روندها، تفکر خلاق و چندگانه، آینده باز و محدود نکرده جایگزین‌ها در سناریونویسی اشاره کرد. (Vreeker, 2008: 43)

کان و واینر (۱۹۶۷) سناریو را ساخت مجموعه‌ای از رویدادهای فرضی به منظور متمرکز نمودن توجه به فرآیندهای علی و تصمیم‌گیری برای آینده می‌دانند (Kahn and Winer, 1967: 9) که بر اساس فرضیات مشخص و دارای سه ویژگی اصلی تکرارپذیری، توجیه‌پذیری عقلانی و منطق دانش‌بنیان صورت می‌گیرد. (Nassauer & Corry, 2004: 348). قبل از طراحی سناریوها، باید برخی از ویژگی‌هایی که موجب دقت بر پژوهش خواهد شد مدنظر قرار گیرد، امکان وقوع داشته باشد، مسیری منطقی و قابل قبول از حال آینده را ترسیم کند، به توصیف روابط علت و معلولی بپردازد، بر امر تصمیم‌گیری متمرکز باشد، به چالش‌ها، تهدیدها، فرصت‌ها و نیازهای آینده توجه کند، با گذشته کاملاً بی‌ارتباط نباشد، از نظر ساختاری و کیفی از یکدیگر متمایز باشد، تمام سناریوها دارای احتمال وقوع برابر باشند به طوری که مجموعه سناریوها طیف وسیعی از عدم قطعیت‌ها را پوشش دهند، سناریوهای ساخته شده قابل باور باشند. (نپوری زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۷) برای تدوین سناریو ابتدا باید رویدادهایی که احتمال دارد در آینده رخ دهند را در وضعیتی مشخص تصور کرد و پس از آن سعی کرد تا سناریوهای احتمالی برای به تصویر کشیدن چندوچون وقوع این رویدادها تدوین کرد (کورنیش، ۱۳۸۸). ساخت سناریو زمانی به حداکثر اثربخشی خواهد رسید که به عنوان ابزاری قدرتمند برای وسعت بخشیدن به افق دید و طرح پرسش‌های جدید و به چالش کشیدن تفکر رایج به کار گرفته شود (Greeuw, et al, 2000: 7).

۲) پیشینه رابطه دو کشور

با ایجاد اولین ولسوالی بریتانیا در ویرجینیا به سال ۱۵۸۴ اسکان مهاجران بریتانیایی از سال ۱۶۰۷ در سرزمین‌های آمریکا آغاز گردد. جنگ‌های داخلی بریتانیا در نیمه دوم قرن هجدهم و جنگ هفت‌ساله آمریکا (۱۷۷۵-۱۷۸۲) رهایی این قاره از سلطه بریتانیا را رقم زد. با اعلام استقلال آمریکا در سال ۱۷۷۶، روابط دیپلماتیکی دو کشور از سال ۱۷۸۵ شکل گرفت. فارغ از جنگ دو کشور در سال ۱۸۱۲، در این دوران آمریکا وابستگی شدیدی به بریتانیا داشت که بی‌ارتباط با منافع مشترک و عکس‌العمل قابل‌توجه بریتانیا در مقابل اروپایی‌ها نبود. کانینگ^۱ (نخست‌وزیر ۱۸۲۷) گفته: "ما بریتانیایی‌ها، ... این کشور را با اروپا مرتبط کردیم، ... و از آن (بریتانیا) به‌عنوان پلی میان اروپا و آمریکا استفاده می‌کنند" (Rippy, 1946: 374). بریتانیا درصدد بود تا از طریق فراموشی دوران استعمار، گام‌های مهمی در جهت رفع خصومت‌ها و جایگزینی روابط دوستانه بین دو طرف برداشته شود. انعقاد معاهده پونسفوت در سال ۱۹۰۱ از نمونه‌های بارز گام نهادن به روابط صلح‌آمیز بین دو طرف بود که بر اساس آن، بریتانیا خلیج مکزیک و شرق اقیانوس آتلانتیک را در اختیار آمریکا قرار داد. در این دوره نخبگان و اندیشمندان هر دو کشور به دنبال ترویج روابط صمیمانه و همکاری بین دو کشور بودند و از نتایج آن جایگزین شدن گفتمان همکاری و نوع‌دوستی به‌جای خصومت و دشمنی بود. درنهایت گفتمان‌های قرابت فرهنگی و قومی با وقوع انقلاب اواخر قرن نوزدهم در صنعت چاپ از طریق نشریه‌های بین‌المللی در پی ترویج تفکر انگلوساکسونی^۲ برآمدند ((Kupchan, 2010: 98-99) و این ایده را شکل دادند که جنگ دو کشور به معنای برادرکشی و امری محال است. به همین دلیل، آمریکا در طول جنگ جهانی اول سیاست انزواطلبی را کنار گذاشت و به نفع بریتانیا وارد جنگ شد. شروع جنگ جهانی دوم چرچیل را بر آن داشت تا تلاش‌های خود را در جهت مداخله آمریکا در جنگ به کار گیرد؛ بنابراین در سخنرانی مشهور پرده آهنین با به کار بردن

¹ George Canning

² Anglo-Saxon

اصطلاح روابط ویژه^۱ به تاریخ ۵ مارس ۱۹۴۶ گفت: این مسئله ضرورت دارد تا رفتار کشورهای انگلیسی‌زبان در زمان صلح برخاسته و متأثر از ثبات عقیده، تداوم هدف، تصمیمات کلان و درعین حال ساده باشد کما اینکه در دوران جنگ نیز همین رفتارها را داشته‌اند. او، این رابطه را به‌عنوان یک وظیفه مشترک باهدف ترویج همکاری‌های نظامی ذکر نمود (Churchill, 1946: 413-424) که اغلب برای اشاره به اتحاد مردم و نخبگان (آتلانتیسیم) انگلیسی‌زبان مورد استفاده قرار می‌گرفت. (Dunn & Avenell, 2016) واژه رابطه ویژه سنگ بنای سیاست خارجی بریتانیا و به‌عنوان، ابزار دیپلماسی برای بار کشیدن از یک قدرت در حال طلوع، بی‌تجربه و عظیم برای تحقق اهداف انگلیس بود (موسوی زاده، ۱۳۸۹: ۱۱۸) که با دو هدف (۱) استفاده از قدرت آمریکا برای مهار آلمان و (۲) جلوگیری از شروع جنگی دیگر دنبال می‌شد. پس‌از آن، چرچیل در کنفرانس حزبی محافظه‌کاران در سال ۱۹۴۸ مواضع استراتژیک بریتانیا را در سه حلقه رابطه با ایالات‌متحده، کشورهای مشترک‌المنافع و کشورهای اروپایی برشمرد که امروزه به‌عنوان منشوری توسط سیاست‌گذاران سیاست خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Daddow & Gaskarth, 2011: 12-15). رابطه ویژه به‌عنوان "حلقه درونی"^۲ (Niblett, 2015: 20-29) در نظر گرفته می‌شود که در سیاست خارجی بریتانیا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و سطح بالایی از اعتماد دو کشور در زمینه‌های دیپلماتیک و سیاسی را نشان می‌داد. این رابطه به‌یک‌باره صورت نگرفت بلکه موارد متعددی از جمله همکاری اطلاعاتی، هسته‌ای و دفاعی در شکل‌گیری و ادامه آن دخیل بوده‌اند. رابطه ویژه با شروع جنگ سرد و تهدیدات شوروی، شرایط و ناکامی‌های آن دهه بریتانیا وارد مرحله واقعی گردید. مک میلان با درک شرایط کشورش گفت: اگرچه، قدرت نسبی بریتانیا در جهان رو به فروپاشی است اما این به معنای آن نیست که بریتانیا باید موقعیت جهانی خود را از دست دهد، قدرت و شهرت بریتانیا می‌تواند از طریق اتحادهای دیپلماسی زیرکانه تقویت گردد (Stephens, 2010)؛ که اتحاد

¹ Special relations

² inner circle

با آمریکا از جمله سیاست‌های مدنظر او بود. آنچه در این پژوهش به آن پرداخته خواهد شد بررسی رابطه ویژه دو کشور در دوره پسابریگزیت بر اساس سناریوهای ذیل خواهد بود.

۳) سناریوهای روابط ویژه دو کشور در دوره پسابریگزیت

بدون شک، برگزیت شکاف عمده‌ای است که نیاز به بزرگ‌ترین تجدید سیاست خارجی بریتانیا از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون دارد. نتیجه فراندوم شوک بزرگی بر سیاست خارجی بریتانیا بود؛ زیرا ضمن به چالش کشاندن دیدگاه‌ها و انتظارات پیش رو، بسیاری از تفکرات استراتژیک ثابت شده در مورد جایگاه بریتانیا در جهان را ناکام می‌گذارد (Whitman, 2016: 522-529) و عدم قطعیت‌های بسیاری را پیش روی سیاست خارجی بریتانیا قرار می‌دهد. از آنجایی که هدف اصلی این پژوهش بررسی آینده روابط ویژه دو کشور است، در این بخش تلاش خواهد شد تا سناریوهای مرتبط در دوره پسابریگزیت مورد بررسی قرار گیرد و در نهایت سناریویی که با نگاه واقع‌بینانه‌تری روابط دو کشور را در آینده به تصویر می‌کشد معرفی شود؛ براین اساس سناریوهای مرتبط در سه دسته به شرح ذیل ارائه می‌گردند.

الف) سناریوهای مطلوب

رویکرد سیاست خارجی دو کشور نسبت به دوره پسابریگزیت کاملاً مبهم است اما این لزوماً بدان معنی نیست که همبستگی سیاسی در همه موارد بر روابط دو کشور تاثیر منفی داشته باشد و نتوان در خصوص آن احتمالاتی مطرح کرد. به هر حال، برخی از سناریوهایی که احتمال وقوع آن‌ها بیشتر است می‌توان مورد بررسی قرار داد.

○ تداوم رابطه ویژه دو کشور

این سناریو از مهم‌ترین سناریوهای پیش روست که با روابط تاریخی دو کشور ارتباط مستحکمی داشته و امکان آن را با شرایطی بهتر از قبل پیش‌بینی می‌نماید؛ زیرا برای بریتانیا رابطه ویژه بخش مهمی از هویت سیاسی خارجی آن کشور است. با توجه به عدم قطعیت‌های ایجاد شده توسط برگزیت در مورد جایگاه بریتانیا در جهان و نقش مرکزی آن

کشور در رابطه ویژه، سیاست خارجی بریتانیا بیش از هر زمان دیگری بر حفظ رابطه ویژه با آمریکا تأکید دارد. علاوه بر نقش تاریخ، فرهنگ، نژاد و زبان مشترک، مقامات و احزاب حاکم نیز در شکل‌گیری و تداوم رابطه ویژه تاکنون مؤثر و تأثیرگذار بوده‌اند به گونه‌ای که رابطه رزولت و چرچیل در عالی‌ترین سطح سیاسی و اقتصادی قرار داشت. بوین نیز طرفدار اتحاد با آمریکا برای مقابله با تهدیدات کمونیستی شوروی بود. میلان از جمله کسانی بود که با درک شرایط کشورش بر تداوم روابط ویژه تأکید داشت. با پیروزی ریگان^۱ در سال ۱۹۸۰، تاجر اولین نخست‌وزیر از اروپا بود که به ملاقات ریگان رفت و خواستار احیاء روابط ویژه و حل اختلافات شد. بلر^۲ نیز همانند چرچیل درصدد حفظ رابطه ویژه و مطرح‌شدن دوباره بریتانیا به‌عنوان پلی بین ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا بود. کلینتون نیز با وصف روابط دو کشور به‌عنوان "مشارکت بی‌مانند"^۳ گفت: در پنجاه سال گذشته اتحاد دو کشور، صلح، رفاه و امنیت بی‌نظیری را به ارمغان آورد که بر اساس ارزش‌ها و آرمان‌های مشترک ما استوار است (Kampfner, 2004: 12). به دلیل هم‌نوا شدن سیاست خارجی بلر با بوش برخی نظریه سگ دست‌آموز را مطرح کردند و بلر را نه همراه و متحد بلکه دنباله‌رو تصمیمات دولت آمریکا توصیف کردند. (Azubuik, 2005: 123) براون نیز به دنبال تحکیم روابط دو کشور، "تجدید همکاری‌های نزدیک"^۴ و تعهد برای مقابله با بحران‌ها ((Brown, 2007) بود. اوباما بر این باور بود که: دو کشور همانند زنجیری به هم پیوسته‌اند که شکست نخواهند خورد، رابطه میان واشنگتن و لندن نه تنها "قوی و ویژه"^۵ باقی خواهد ماند بلکه باگذشت زمان قوی‌تر می‌شود (Obama, 2009). از دیدگاه کامرون، روابط ویژه "واقعی"^۶ و "ملموس"^۷ و بریتانیا شریک جوان در این رابطه خواهد بود (The Economist, 2010). امروزه نیز، نقش احزاب و دولت‌های حاکم تأثیر به‌سزایی در حفظ و تداوم رابطه

¹ Ronald Reagan

² Blair

³ Unique Partnership

⁴ Renew a close cooperation

⁵ Special and Strong

⁶ Real

⁷ Tangible

ویژه دارند؛ زیرا سابقه تاریخی دو کشور نشان داده است که احزاب قدرتمند دو کشور بر وجود روابط متقابل و مشترک بر اساس منافع ملی تأکید داشته‌اند و دارند. گرچه با مطرح شدن برگزیت، اوباما صریحاً با اعلام مخالفت و همراهی با کمپین ماندن در اتحادیه اروپا گفت: بریتانیا در بهترین حالت زمانی خواهد بود که یک اتحادیه قوی اروپایی را هدایت کند. همچنین، بریتانیا در دوره پسابگزیت برای انجام هرگونه توافق و همکاری تجاری با آمریکا به‌عنوان آخرین گزینه مدنظر قرار خواهد گرفت ((Asthana & Mason, 2016) که با واکنش شدید موافقین برگزیت و از جمله، بوریس جانسون قرار گرفت که مدعی بود برگزیت موجب جوان‌تر شدن بریتانیا خواهد شد و مخالفت اوباما به دلیل نیمه کنیایی بودن ایشان است.

نگرانی اوباما بی‌ارتباط با عدم قطعیت‌های ناشی از تصمیم بریتانیایی‌ها در دوره پسابگزیت نبود؛ زیرا دولت آمریکا معتقد بود که در صورت وقوع برگزیت، نفوذ آن کشور در اتحادیه اروپا کاهش خواهد یافت؛ اما بریتانیایی‌ها درصدد بودند تا این واقعیت را به آمریکایی‌ها بقبولانند که بریتانیا هم مایل است و هم توانایی آن را دارد تا به تردیدهای آمریکا در خصوص برگزیت و تداوم رابطه ویژه و تعهدات آن کشور در این خصوص پاسخ دهد. اگرچه اعلام مواضع آشکار مقامات آمریکایی نگرانی‌های جدی پیش روی حامیان رابطه ویژه در بریتانیا قرار داده بود اما با این‌وجود و با پیروزی برگزیت، بریتانیایی‌ها چرخشی غیرقابل‌تصور در اظهارات و نگاه مقامات آمریکایی شاهد بودند. نکته مهم اینجا بود که اوباما در همان ابتدا تأکید کرد که نتیجه رفراندوم تأثیری بر رابطه دو کشور نخواهد داشت و رابطه ویژه از چیزهای مهمی خواهد بود که نه‌تنها تغییری در آن به وجود نخواهد آمد بلکه بین دو ملت ما برقرار خواهد ماند (Dyer et al., 2016). واکنش دیگر مقامات آمریکایی از جمله، باب کورکر رئیس کمیته روابط خارجی سنا، پل رایان رئیس حزب جمهور جمهوری‌خواه مجلس و جان کربی سخنگوی وزارت امور خارجه نیز همین‌گونه بود. پس از استعفای دیوید کامرون و انتخاب ترزومی، اوباما در نخستین تماس تلفنی خود در جولای ۲۰۱۶ انتخاب او را تبریک گفت و اطمینان داد که در جهت حفظ و تقویت رابطه

ویژه تلاش خواهد کرد (Revesz, 2016). چند روز پس از آن، وزیر امور خارجه نیز به منظور تقویت رابطه با سفر به لندن گفت: "من امروز به لندن بازگشتم تا روابط ویژه و غیرقابل انکار بین ایالات متحده و بریتانیا را ثابت کنم و اینها بیش از کلمات [...] این بیان واقعی حس دوستی است و در طول سالها تلاشهای مشترک، منافع مشترک، ارزشهای مشترکی که همواره بین ما به اشتراک گذاشته شده است، شکل گرفته است" (Dathan, 2016b).

فرانکوم برگزیت که همزمان با مراحل اجرایی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بود به یکی از برنامه‌های تبلیغاتی کاندیداها تبدیل شده بود. ترامپ به عنوان یکی کاندیداها در طول مبارزات فرانکوم بریتانیا ضمن دفاع از برگزیت از آن استقبال کرد و وعده داد که در صورت انتخاب درصدد خواهد بود رابطه ویژه را حفظ کند (Harvey, 2016). با توجه به تاریخچه روابط دو کشور و انتخاب ترامپ در آمریکا دو جنبه مهم در روابط دو کشور مورد توجه قرار گرفت که به تضمینهای متقابل و تأثیرگذار در رابطه ویژه و همچنین پایبندی بریتانیا به تعهدات خود در قالب همکاری دو کشور که برخاسته از نقش بریتانیا به عنوان شریک کوچکتر در آن رابطه بود، برمیگشت؛ زیرا برنامه‌های بریتانیا در دوره پسابرگزیت برای آمریکا مبهم و نامشخص بود؛ بنابراین ترزانی به عنوان اولین مقام اروپایی برای تبریک انتخاب ترامپ در ژانویه ۲۰۱۷، به آمریکا رفت. ترامپ گفت: "این اولین دیدار ما است، پس افتخار بزرگی است. رابطه ویژه بین دو کشور مایکی از مهم‌ترین نقاط مثبت در طول تاریخ از حیث عدالت، صلح و دوستی بوده است [...] امروز ایالات متحده روابط دوستی و دیرینه خود را با بریتانیا دوباره احیا می‌کند. [...] هر دو کشور برای همیشه تعهد خواهند داد تا به چنین رابطه‌ای پایبند باشند. هر دو در کنار یکدیگر به موفقیت می‌رسند و در آنها حاکمیت قانون برقرار می‌شود روابط ما هرگز قوی‌تر از حال نبوده است (Trump, 2017). ترامپ در رابطه با برگزیت سه دیدگاه دارد:

اولاً، برگزیت را به عنوان یک مزیت اقتصادی برای ایالات متحده می‌بیند و معتقد است که توافقنامه تجارت آزاد بالقوه‌ای بین ایالات متحده-بریتانیا مورد استفاده قرار می‌گیرد. او در

ملاقات خود با می در بریتانیا گفت: "آنچه [بریتانیا] انجام می‌دهد، برای ما خوب است. فقط باید مطمئن شویم که می‌توانیم باهم همکاری کنیم. این از همه چیز مهم‌تر است".^۱ دوم، اتحادیه اروپا را به‌عنوان یک رقیب استراتژیک برای ایالات متحده به شمار می‌رود. وی بارها ادعا کرده است که اتحادیه اروپا برای "استفاده از"^۲ و "پاره شدن"^۳ ایالات متحده شکل گرفته است؛ بنابراین اتحادیه اروپا را به‌عنوان یک "کنسرسیوم" در نظر می‌گیرد که ممکن است در دنیای کسب‌وکار با آن مواجه شد. به همین دلیل معنای سیاسی و استراتژیک پروژه اروپایی را رد می‌کند. از این دیدگاه، برگزیت ضربه محکمی به اتحادیه اروپا و موجب تقویت نفوذ ایالات متحده خواهد شد. سوم، ترامپ باورهای خود را موازی و هم‌جهت با حامیان برگزیت تلقی می‌کند. همان‌گونه که آنان مخالف حاکمیت بیشتر و مهاجرت هستند. ترامپ نیز بر این عقیده است که آن‌ها کشور خود را به عقب بازگردانده‌اند، همان‌طور که ما آمریکا را به عقب برگرداندیم. بدین ترتیب، از این فرصت استفاده کرد تا تصمیم بریتانیا را برای خروج از اتحادیه اروپا به‌عنوان یک بریتانیای آزاد و مستقل بستاید؛ ترزا می نیز به همان اندازه و پرحرارت از روابط تاریخی، خانوادگی و خویشاوندی سخن گفت (Gov.UK, 2017) می در کنفرانس حزبی جمهوری خواهان از "ارتباط منحصربه‌فرد و ویژه‌ای که بین بریتانیا و آمریکا وجود دارد" این‌گونه یاد می‌کند: "رهبری ارائه‌شده توسط دو کشور تلاش‌های زیادی را در پیروزی در جنگ و غلبه بر ناتوانی انجام داده است. این دنیای مدرن را ساخته است. [...] ایستادن امروز من در برابر شما افتخار و امتیاز برای من است [...] وقتی این جایگاه رهبری را یک‌بار دیگر به دست می‌گیریم. دست همکاری را به‌سوی دوستان و متحدان دراز می‌کنیم. روابط ویژه خود را در گذشته احیا می‌کنیم و دوباره متعهد می‌شویم که در جهان مدرن امروزی کماکان به وظیفه رهبری خود پایبند باشیم به همین دلیل وقتی دوباره آن اعتماد و اعتبار گذشته را به دست می‌آوریم وظیفه آن را پیدا می‌کنیم تا آن روابط خاص را برای این برهه جدید احیا کنیم. ما فرصت داریم

¹ take advantage

² rip off

که دوباره برگردیم (May, 2017). اظهارات می ترکیبی از دستاوردهای گذشته رابطه ویژه و چشم‌انداز مثبت روابط جدید بعد از خروج است تا از ورای آن‌ها احساس تداوم و استمرار شکل بگیرد که اهمیت آن فراتر از موضوع خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا خواهد بود. بدین ترتیب، سیاست‌گذاران خارجی بریتانیا در تلاش هستند تا پایبندی بریتانیا را تداوم رابطه ویژه نشان دهند و امیدوار هستند تا از طریق دریافت امتیازاتی از آمریکا تأثیرات و نقش خود را در دوره پسابریگزیت نشان دهند و ابعاد گسترده‌تری را برای ارتقا جایگاه و نفوذ خود در عرصه بین‌الملل فراهم سازند که احتمال می‌رود با همراهی و همکاری آمریکا به سیاست‌های اولیه خود نائل گردد. در چنین شرایطی که آمریکا در پی حفظ جایگاه و بقای هژمونی جهانی خود از طریق صلح جهانی و مبارزه با تروریسم است؛ بریتانیا به دلیل جمعیت زیاد، دروازه ورودی اروپا، موقعیت ژئوپلیتیکی و سرزمینی، زیرساخت‌های فکری و مادی موردنیاز برای گسترش روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی را در این خصوص داراست و به‌عنوان شریک قدیمی گزینه مناسبی می‌باشد. انتظار می‌رود دو کشور تعداد کثیری از مؤلفه‌های مشترک از جمله بهره‌مندی واشنگتن از برنامه‌ریزی لندن در حوزه‌های اطلاعاتی، دفاعی، اقتصادی، دیپلماتیک و ایجاد یک چشم‌انداز متفاوت در حوزه شناخت چالش‌های می‌باشد (Dormandy, 2013). در ذیل سعی خواهد شد به برخی از مواردی که در تداوم روابط ویژه دو کشور تأثیر گذار خواهند بود پرداخته خواهد شود.

■ سیاسی _ امنیتی

این نوع از همکاری که سابقه دیرینه‌ای دارد می‌توان آن را به دکتترین مونرو در نیمه اول قرن نوزدهم باهدف تأمین امنیت سرزمین‌های آمریکا در مقابل تهدیدات فرانسه و اسپانیا نسبت داد. خروج ایالات‌متحده از نزواگرایی در طول جنگ‌های اول و دوم جهانی به نفع بریتانیا از دیگر مواردی است که قبل از کاربرد اصطلاح رابطه ویژه موردتوجه قرار گرفته‌اند. با پایان جنگ جهانی دوم و تأکید چرچیل بر رابطه ویژه، تلاش و تمرکز اصلی سیاست دفاعی بریتانیا شدیداً بر دفاع دسته‌جمعی اروپای غربی در مقابل تهدید و حمله

نظامی از سوی شوروی سابق متمرکز گردید (خالوزاده، ۱۳۸۴: ۱۵)، گشایش یک اتحاد نزدیک را باهدف تلاش برای حفظ آزادی، امنیت غرب و گسترش تدریجی این حقوق به سایر نقاط جهان لازم و ضروری می‌دانست. این اتحاد با فعالیت‌های گسترده برای پذیرش نقش جدید جهانی آمریکا در چارچوب ناتو شکل گرفت و درنهایت در قالب طرح مارشال و درنهایت ناتو متجلی گردید (فونتن، ۱۳۶۹: ۴۵۸). رابطه دو کشور در حوزه سیاسی-امنیتی به دلیل روابط چشمگیر دو طرف در سه حوزه همکاری‌های نظامی، اطلاعاتی و هسته‌ای در جریان است که دو کشور از طریق همکاری در این سه حوزه تلاش دارند از ایجاد تنش در سایر حوزه‌ها جلوگیری کنند.

• همکاری نظامی

این نوع از همکاری، همکاری گسترده روابط ویژه بین دو کشور را معنا می‌بخشد. پس از جنگ جهانی دوم بریتانیا باهدف تفوق بر فرانسه و سایر کشورهای اروپایی همکاری‌های مشترک نظامی با آمریکا را در رأس برنامه‌های خود قرارداد. آمریکا در جنگ فاکلند، بدون توجه به هم قاره‌ای بودن با آرژانتین از متحد ناتو (بریتانیا) حمایت کرد (Thatcher, 1988). متعاقب جنگ سرد، بریتانیا از حامیان اصلی آمریکا در سه جنگ (عراق در سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳، افغانستان در سال ۲۰۰۱) همچنین جنگ کوزوو در سال ۱۹۹۹ و مبارزه با القاعده، داعش^۱، لیبی و سوریه بوده است که بر اساس سنت‌های منحصربه‌فرد و قدیمی خود بازی کردند، جنگ لیبی از جنگ‌هایی بود که به‌رغم استراتژی اوپاما برای "رهبری از پشت"^۲، ایالات متحده در کنار بریتانیا، نقش مهمی در دخالت نظامی ناتو در لیبی بر جای گذاشت (Clinton, 2014). پس‌از آن، استراتژی امنیت ملی و بازنگری و امنیت استراتژیک^۳ در سال ۲۰۱۵، باهدف پایان کاهش قدرت و نفوذ بریتانیا ارائه شده که ضمن تأکید بر دستاورد و تعامل جهانی بر همکاری‌های امنیتی نزدیک بریتانیا با آمریکا و

¹ Daesh

² leading from behind

³ SDSR

ادامه روابط ویژه تأکید بیشتری داشت و از آمریکا به عنوان "شریکی مهم برای امنیت، دفاع، سیاست خارجی و رفاه نام برده است. (Office of the Prime Minister, 2015) پس از برگزاری رفراندوم، دولت اوباما بلافاصله بر نقش حیاتی این کشور در پیشبرد امنیت بین الملل از جمله تبادل اطلاعات و مبارزه با تروریسم بین الملل تأکید کرد و به صراحت اعلام کرد که این کشور متعهد شده است اجازه ندهد تا خروج آن کشور از اتحادیه اروپا یا همان برگزیت روابط نزدیک دو کشور را از مسیر اصلی خود منحرف سازد (Roberts & Smith, 2016).

علاوه بر آن دو کشور به لحاظ فروش ادوات نظامی نیز از شرکای کلیدی به شمار می روند. اگرچه ایالات متحده مقدار کمی از تجهیزات دفاعی خود را از خارج وارد می کند، اما بریتانیا بزرگ ترین تأمین کننده تجهیزات دریایی ایالات متحده است. در واقع ایالات متحده دومین واردکننده کالاهای دفاعی بریتانیا پس از عربستان است. ۱۰۲ علاوه بر این، دولت بریتانیا به عنوان میزبانی برای تجهیزات نظامی ایالات متحده در کشورش و سایر نقاط عمل می کند که شامل دو پایگاه عمده هوایی در RAF Lakenheath و RAF Mildenhall در شرق بریتانیا، یک پایگاه عملیاتی پیشرو در RAF Fairford در گلاسترشیر می باشد. شرکت های آمریکایی، بوئینگ، هانیول، لاکهید مارتین، رایتون، ITT، ژنرال داینامیکس، هریس، راکول و نورثروپ گرومن حضور گسترده ای در بریتانیا دارند که مزیت بزرگی برای دولت بریتانیا به شمار می روند علاوه بر این، بریتانیا میزبان تعداد زیادی از پرسنل نظامی، پایگاه های هوایی، تجهیزات، سایت های راداری و مراکز اطلاعاتی آمریکاست. وزارت دفاع آمریکا در سال ۲۰۱۵ اعلام کرد که سه پایگاه هوایی را با حدود ۵۵۰۰ پرسنل و جنگنده های نظامی تا سال ۲۰۲۰ در بریتانیا مستقر خواهد کرد (United States Government Accountability Office, 2016). همچنین شرکت های بریتانیایی، BAE Systems, QinetiQ, Rolls-Royce, Cobham, Ultra و Martin Baker در آمریکا فعالیت می کنند و از راه های مختلف به صنعت دفاعی آمریکا کمک می کنند.

بدین ترتیب، بریتانیا به عنوان یکی از قدرتهای نظامی جهان، در تلاش است تا مهم‌ترین شریک آمریکا باقی بماند و در صورت ورود ایالات متحده به جنگی دیگر، قابلیت‌های نظامی بالقوه‌ای کسب کند. آمریکا نیز به این نتیجه رسیده که برای جنگ با گروه‌های تروریستی، مقابله با فعالیت‌های هسته‌ای ایران، اختلافات اعراب - اسرائیل، آینده عراق و ... به تنهایی و بدون حمایت بریتانیا نمی‌تواند در این زمینه گام بردارد. از منظر امنیت هستی‌شناختی، تداوم فعالیت دولت بریتانیا در زمان اجرای همه‌پرسی برگزیت، باهدف عمل به تعهدات خود نسبت به همکاری در قالب روابط ویژه نشان می‌دهد که این کشور عزم جدی دارد تا ثبات و ماندگاری چنین روابطی را مورد اهتمام قرار دهد تا خطرات ناشی از تصمیم این کشور برای خروج از اتحادیه اروپا را به حداقل ممکن کاهش دهد، خطراتی که هویت سیاست خارجی آن را تهدید می‌کند. تأیید تلاش‌های بریتانیا توسط ایالات متحده به انعطاف‌پذیری بیشتر روابط ویژه در محیط پس از رفراندوم کمک شایانی به روابط دو طرف کرده است. به ویژه پس از مشارکت بریتانیا در حمله موشکی به تاسیسات سوریه در سال ۲۰۱۸ این رابطه بیشتر تقویت شد.

• هسته‌ای

همکاری هسته‌ای دو کشور در طول جنگ سرد و پس از آن در قلب رابطه ویژه قرار داشت. همکاری‌های هسته‌ای نزدیک بدان معناست که بریتانیا نزدیک‌ترین متحد آمریکا در زمینه فعالیت‌ها و مبادلات هسته‌ای است و این همکاری، آنان را در رسیدن به اهداف اصلی در مناسبات دفاعی و امکان استفاده از فن‌آوری‌های هسته‌ای پیشرفته دو طرف (به‌ویژه آمریکا) قادر می‌سازد که از طریق توافقنامه دفاعی (۱۹۵۸) و توافقنامه فروش پلاریس^۱ (۱۹۶۳) و استفاده از سایت آزمایشگاه هسته‌ای ایالات متحده در نوادا از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۹۲ شکل گرفت. این همکاری شامل موافقت نامه‌هایی برای استفاده ایالات متحده از پایگاه‌های بریتانیا با حق ذخیره سلاح‌های هسته‌ای و توافق برای دو پایگاه در یورکشایر

^۱ PSA

(Menwith Hill و Fylingdales) به منظور ارتقاء و حمایت از برنامه‌های دفاع موشکی ایالات متحده بود. ۲۱۹ در سال ۱۹۵۸، بریتانیا و ایالات متحده امضا توافقنامه دفاع متقابل^۱ را امضا کردند. این توافقنامه، همکاری گسترده‌ای را در مورد کلاهک‌های هسته‌ای و فن آوری های راکتور، بخصوص تبادل اطلاعات طبقه بندی شده در مورد سلاح‌های هسته‌ای برای بهبود طراحی، توسعه و ساخت، فراهم می‌کند. توانایی این توافق همچنین برای انتقال مواد مرتبط با کلاهک هسته‌ای فراهم می‌کند که در سال ۲۰۰۴ برای ده سال دیگر تمدید شد. ۲۲۰ امروزه، یکی از سه سیستم پیشرفته موشکی بالستیک آمریکا^۲ در بریتانیا مستقر است و دانشمندان هسته‌ای بریتانیا با هم‌تایان آمریکایی خود در طیف وسیعی از پروژه‌های تحقیقاتی هسته‌ای کار می‌کنند. ایالات متحده یک حامی قوی برای اقدامات بازدارنده هسته‌ای بریتانیا به شمار می‌رود، البته نه به خاطر اینکه فعالیت‌های هسته‌ای خود را در ناتو به اشتراک می‌گذارد (Conley, 2017). امروزه سرمایه‌گذاری‌های ایالات متحده در سلاح‌های هسته‌ای و فناوری‌های زیردریایی بریتانیا باهدف حفظ سلاح هسته‌ای آن کشور صورت می‌گیرد. بدون شک ایالات متحده در مشارکت هسته‌ای بر بریتانیا تسلط دارد اما بریتانیا مزایا و سودمندی‌های ویژه و آشکاری را از این مشارکت به نفع خود بهره‌برداری می‌نماید.

• اطلاعاتی

همکاری‌های اطلاعاتی که با پیوندهای تاریخی و فرهنگی دو کشور ارتباط چشمگیری دارد امروزه از مهم‌ترین همکاری‌های دو طرف در عرصه جهانی به شمار می‌رود. در جنگ جهانی دوم به عنوان بخشی از مشارکت دو کشور در سازمان‌های عملیات ویژه و سرویس‌های اطلاعاتی جاسوسی بریتانیا^۳ و مؤسسات ایالات متحده به کار گرفته شد و امروزه همکاری‌های گسترده‌ای اطلاعاتی بین سیا و سرویس‌های اطلاعاتی بریتانیا با تأکید

¹ MDA

² BMEWS

³ SOE and SIS

بر اطلاعات امنیتی بین اداره اطلاعات دفاعی آمریکا و کارکنان اطلاعاتی بریتانیا، اطلاعات سیگنال بین آژانس امنیت ملی آمریکا^۱ و ستاد ارتباطات عمومی بریتانیا^۲ در زمینه جاسوسی‌های هوایی حاصل از عکس‌های ماهواره‌ای، شناسایی هواپیماها، شناسایی هواپیماهای بدون سرنشین، وجود دارد. البته، همکاری‌های بریتانیا و ایالات متحده در زمینه جاسوسی معمولاً شامل مبادلات ارزیابی‌ها اطلاعاتی است نه عملیات مشترک. هریک از سرویس‌های اطلاعاتی بریتانیا دارای دفاتر ارتباطاتی در ایالات متحده هستند که اصول مربوط را از سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده دریافت می‌کنند و اطلاعات بریتانیا را به آن‌ها ارائه می‌دهند. حضور ثابت نماینده سیا در نشست مشترک کمیته اطلاعاتی لندن از مهم‌ترین مناسبات اطلاعاتی دو کشور است که شاید در میان سایر اعضای اتحادیه اروپا وجود نداشته باشد (HARRIS, 2002). واقعیت این است که رئیس سیا در جلسات هماهنگی اطلاعاتی بریتانیا، شرکت می‌کند (Richelson & Ball, 1990). همکاری‌های اطلاعاتی و ضد تروریستی دو کشور سودمندی‌های ویژه‌ای را برای دو طرف در بر داشته است که از جمله نتایج آن می‌توان به خنثی نمودن چندین حمله تروریستی (حمله به بورس اوراق بهادار در سال ۲۰۰۴، توطئه حمله به هواپیمای بارگیری در سال ۲۰۱۰) و مبارزه با مواد مخدر اشاره نمود. (British Prime Minister's Office, 2012)

بخش دیگری از همکاری‌های اطلاعاتی دو طرف است که از سال ۱۹۴۱ با شروع به کار کد نویسان آمریکایی و بریتانیایی شکل گرفت. بر اساس توافقنامه ۱۹۴۷ سیگنال‌های اطلاعاتی^۳، بریتانیا از طریق دو پایگاه خود در قبرس و GCHQ در چلندام بر اروپا و خاورمیانه نظارت پیدا کرده و سیگنال‌ها را به آژانس امنیت ملی آمریکا^۴ می‌فرستد. آمریکایی‌ها نقش بریتانیایی‌ها را در این خصوص بسیار مهم تلقی نموده و در طرف مقابل بریتانیایی‌ها نیز از فناوری‌ها و توانایی‌های اطلاعاتی و امنیتی ایالات متحده آمریکا در جهت

¹ NSA

² GCHQ

³ SIGINT

⁴ NSA

تأمین امنیت خود بهره‌مند گردد. در این زمینه تبادل کارمند از آژانس امنیت ملی آمریکا و ستاد ارتباطات عمومی بریتانیا به‌آسانی شکل می‌گیرد که در آن هر سازمان مسئولیت بخش‌های خاصی از جهان را بر عهده دارد. میزان سرمایه‌گذاری اطلاعاتی دو کشور در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ حدود ۱۰۰ میلیون پوندی NSA در GCHQ نشان از علاقه‌مندی و تعهدات گسترده دو طرف به یکدیگر است. (Hopkins & Borger, 2013) با این همه به نظر می‌رسد این نوع از همکاری در دوره پسابرجزیت نیز تداوم داشته باشد. اوبا نیز بر این نکته تأکید کرده است که همکاری اطلاعاتی میان جاسوسان آمریکایی و بریتانیایی تحت تأثیر برگزیت قرار نخواهد گرفت (Hope, 2016).

• مقابله با تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی

با پایان جنگ سرد و حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مبارزه با تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی در کانون همکاری‌های استراتژیک قرار گرفت و همکاری‌های اطلاعاتی و عملیاتی برای حمله به افغانستان و عراق بین دو طرف ایجاد شد؛ زیرا همراه شدن سلاح‌های کشتار جمعی با تروریسم پدیده‌ای به نام ابر تروریسم را شکل داد که برای منافع دو کشور خطر آفرین بود. بلر در اولین اقدام، حمایت قاطع خود را بر اساس دکترین جامعه جهانی از آمریکا اعلام کرد و گفت: حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر حمله به آمریکا نبود ... حمله‌ای به همه ما بود. وی بعدها در پاسخ به منتقدان از تصمیم خود برای اتحاد شانه‌به‌شانه با قدیمی‌ترین متحد خود در حمله به عراق دفاع کرد و گفت، تروریستی که در اینجا و در سراسر جهان ما را تهدید می‌کند، نباید رها گردد و از ملت خواست تا این را درک کنند که او " آنچه را که مدنظر داشت، انجام داد" (Blair, 2007). اوباما نیز در مجلس نمایندگان بریتانیا با اشاره به موضوع شانه‌به‌شانه گفت: زمانی که کاخ سفید در جنگ سال ۱۸۱۲ در معرض آتش‌سوزی قرار گرفت، ممکن است برخی از احساسات صدمه‌دیده نیز وجود داشته باشد اما خوشبختانه از آن زمان همکاری دو طرف جریان دارد (Obama, 2011).

متعاقب اعلام موجودیت داعش، بیشترین تعداد نیروهای اروپایی شرکت‌کننده در مبارزه هوایی علیه داعش متعلق به بریتانیا بود، علاوه بر آن ۶۰,۰۰۰ تن از نیروهای امنیتی عراق

را آموزش می‌دادند (Peach, 2017). در سال ۲۰۱۷، ۱،۳۵۰ پرسنل نظامی در عملیات علیه داعش در عراق و سوریه و ۱۲۰۰ نفر در کمک به عملیات در دریای مدیترانه، آفریقا و افغانستان شرکت داشته‌اند (Ministry of Defence, 2017). امروزه، مبارزه با تروریسم از موضوعات اساسی برای دو کشور است؛ زیرا کارشناسان تخمین زده‌اند که از مجموع ۷۶۰ نفری که از بریتانیا به گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه پیوسته‌اند حداقل ۳۵۰ نفر از آن‌ها به کشور بازگشته‌اند (International Centre for Counter-Terrorism, 2016) و تفکرات آنان تهدیدی جدی برای بریتانیا به شمار می‌رود؛ بنابراین دو کشور در راستای حفظ منافع استراتژیک خود، در مبارزه با تروریسم و مقابله با سلاح‌های کشتار جمعی در دوره پسابرگزیت به‌طور متحد عمل می‌کنند.

• ناتو

آمریکا و بریتانیا از مدت‌ها پیش چشم‌اندازهای مشترکی در خصوص نیروی نظامی و توسعه قابلیت‌های نظامی ناتو در پیش گرفته‌اند. لندن به‌عنوان عضو اصلی ناتو نقش مهمی در مقابله با شوروی در دوره جنگ سرد داشت و در مقایسه با کشورهای اروپایی، تنها کشوری بود که درصدد تشکیل یک ارتش مدرن بود. بریتانیا در چند سال گذشته مشارکت زیادی در عملیات ناتو داشته است و در حال حاضر سومین کمک‌کننده به آن است (ناتو، ۲۰۱۷) و به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین اعضای نیروی نظامی این اتحادیه به شمار می‌رود. برخلاف تصور اینکه خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا بر توانایی‌های بریتانیا در مبارزه با تروریسم تأثیر منفی خواهد داشت (Crisp, 2017)، بریتانیا از زمان برگزاری فرماندوم در پاسخ به این نگرانی‌ها درصدد بوده است تا ضمن برطرف نمودن شک و تردیدها تعهد دوباره خود را نسبت به آن کشور در رابطه با ادامه حضور در ناتو با تأکید بر هزینه‌های دفاعی و کمک نظامی بریتانیا به نمایش بگذارد. تزامنی در سفر به آمریکا بر تداوم تعهدات بریتانیا نسبت به اثرگذاری جدی بر وضعیت امنیت در قاره اروپا و در سطح بین‌الملل، تأکید ورزید و بر نقش حمایت کشورش در این زمینه تأکید داشت. می در سخنرانی خود در کنفرانس حزب جمهوری‌خواه در ژانویه ۲۰۱۷ به‌صراحت به این نکته اشاره کرد: "کشورهای حاکم

نمی‌توانند امنیت و رفاه خود را به آمریکا تحمیل کنند. [...] این چیزی است که بریتانیا همیشه آن را درک کرده است. به همین دلیل است که بریتانیا تنها کشوری عضو G20 است که برای عمل به تعهدات خود ۲٪ تولید ناخالص ملی را در زمینه دفاعی و ۳۰٪ آن را در زمینه ارتقاء سطح کیفی تجهیزات هزینه می‌کند. [...] و به همین دلیل است که دولت من در هر سال بودجه‌های دفاعی کشور را افزایش می‌دهد ((May, 2017). ترازمی در اثبات تعهدات بریتانیا در قبال حفظ توانمندی‌های دفاعی خود به مخاطبان خود یادآوری کرد که دولت او برای تجدیدقوای خود در زمینه بازدارندگی هسته‌ای، نظر پارلمان را جلب کرده و روی ساخت جنگنده F-35 جدید برای ناوگان هوایی بریتانیا سرمایه‌گذاری کرده است. همچنین به این موضوع اشاره داشت که تحقق اهداف ناتو در زمینه بودجه‌های دفاعی، موضوع را با سایر رهبران اروپایی مطرح نموده است. به طور کلی، پیام بریتانیا از زمان شروع تصمیم‌گیری‌ها در خصوص برگزیت این بوده که بریتانیا سرمایه‌گذاری‌های لازم را در این خصوص ادامه خواهد داد تا اطمینان حاصل گردد که آن کشور به‌عنوان یک شریک نظامی توانا در ناتو باقی خواهد ماند و از تلاش‌های دیپلماتیک ایالات‌متحده در آن سازمان حمایت خواهد کرد و از سایر شرکای اروپایی خود می‌خواهد تا در رابطه با عمل به تعهدات دفاعی ناتو سهم بیشتری از بودجه دفاعی ناتو را تقبل کنند.

می‌در سخنانی خود در کنفرانس حزب جمهوری خواه اشاره کرد که بریتانیا تعهدات بیشتری جهت اعزام نیرو به حمایت‌های سریع ناتو در افغانستان و یک سری عملیات دیگر مربوط به حفظ صلح در کوزوو، سودان جنوبی و سومالی تقبل کرده بود و بر اهتمام خود برای شکست و نابودی داعش تأکید ورزیده است ((May, 2017) پس از انزوای کریمه، بسیاری از کشورهای اروپای شرقی از جمله استونی، لتونی، لیتوانی و لهستان از فعالیت‌های روسیه در این منطقه ابراز نگرانی کردند و از قدرت‌های بزرگ ناتو درخواست کمک کردند. اندکی بعد از برگزاری فراندوم برگزیت دولت بریتانیا اعلام آمادگی کرد آمادگی بریتانیا، در اعزام ۸۰۰ سرباز به استونی و لهستان ب از سال ۲۰۱۷، دلیل محکمی است مبنی بر اینکه این کشور متعهد به فعالیت‌های ناتو در دفاع از کشورهای عضو اتحادیه اروپا است

((Mortimer, 2017). همچنین بریتانیا موافقت کرد تا از سال ۲۰۱۶ پنج کشتی به منطقه بالتیک اعزام کند که به‌عنوان بخشی از ناتو در برابر روسیه مورد استفاده قرار خواهند گرفت (Macaskill, 2016). بنابراین می‌توان گفت، تعهدات این کشور به‌منزله آن است که بریتانیا در دوره پسابرجزیت نیز همچنان به عنوان یک شریک کلیدی در جنگ علیه تروریسم خواهد بود (Bird, 2015).

▪ دیپلماتیک

تخصص بریتانیا در زمینه همکاری‌های دیپلماتیک و ارائه دانش فنی سیاسی و ارتباط نزدیک با نخبگان در بخش‌های گسترده‌ای از جهان دارای ارزشمندی‌های فراوانی برای آمریکا در گذشته و حال است به‌گونه‌ای که به گفته ارنست می^۱ و فلیپ زلیکو^۲، مک میلان و ارومسی جور^۳ دو عضو واقعی کمیته اجرایی کنده بودند (۶۹۲: ۲۰۰۰) و در بحران موشکی کوبا از نظرات آن‌ها استفاده می‌کرد. امروزه بریتانیا اغلب به‌عنوان متحد اصلی آمریکا در شکل‌دهی به دیدگاه‌های سیاست خارجی ایالات‌متحده در نظر گرفته می‌شود و ناظران بین‌المللی بر این باورند که موقعیت لندن به‌عنوان متحد نزدیک آمریکا به نفوذ جهانی آن کشور کمک نموده و به آمریکا این امکان را داده تا با سهولت بیشتری اهداف خود را دنبال کند. بریتانیا چندجانبه‌گرایی را یکی از شیوه‌های مفید در راستای نیل به اهداف و منافع ملی خود می‌داند و از طریق مشارکت و همکاری گسترده با آمریکا در سازمان‌های بین‌المللی درصدد بازیابی جایگاه گذشته خود در صحنه جهانی است. بریتانیا تلاش می‌کند تا با توجه به هژمونی و جایگاه آمریکا در این سازمان‌ها (به‌ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد و ناتو) و اعمال هژمونی انگلو آمریکایی در این سازمان‌ها و همچنین حرکت در مسیر اهداف ایالات‌متحده آمریکا و قرار گرفتن در یک خط موازی از قدرت چانه‌زنی بیشتری نسبت به هم‌تایان اروپایی خود در سطح جهانی برخوردار گردد، به همین

^۱ Ernest May

^۲ Philip Zeliko

^۳ Ormsby- Gore

دلیل بر نقش تاریخی خود در سازمان ملل و صندلی دائمی شورای امنیت در دوره پسابریگزیت و همکاری با آمریکا تأکید دارد.

▪ اقتصادی

امروزه بریتانیا از شرکای اصلی تجاری آمریکا در سطح منطقه‌ای و جهانی به حساب می‌آید و پس از اتحادیه اروپا آمریکا دومین و بزرگ‌ترین شریک تجاری و بازار صادرات برای کالاهای آن کشور به شمار می‌رود. با توجه به جریان‌های تجاری دو طرف در سال ۲۰۰۴، ۳/۴ درصد صادرات آمریکا به بریتانیا و ۳/۱ آمریکا از بریتانیا بوده است (Bureau of Economic Analysis, 2005). در سال ۲۰۱۶، ۱۵ درصد کل صادرات بریتانیا به ایالات متحده به ارزش ۶۱٫۵ میلیارد دلار و صادرات ایالات متحده به بریتانیا ۵۷٫۱ میلیارد دلار بوده است. همچنین، در سال ۲۰۱۶ صادرات خدمات از ایالات متحده به بریتانیا در حدود ۶۷٫۵ میلیون دلار و صادرات خدمات از بریتانیا به ایالات متحده در حدود ۵۱٫۷ میلیون دلار بود (Hamilton & Quinlan, 2018:146). علاوه بر جریان صادرات و واردات، آمریکا بزرگ‌ترین منبع سرمایه‌گذاری خارجی^۱ و مقصد مهمی برای سرمایه‌گذاری بریتانیا به شمار می‌رود. میزان سرمایه‌گذاری آمریکا در بریتانیا دو برابر مجموع سرمایه‌گذاری در (آمریکای جنوبی، قفقاز و خاورمیانه) است. به گونه‌ای که در سال ۲۰۰۴ با بیش از ۲۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در بریتانیا (۱۰ درصد سرمایه‌گذاری واشنگتن در سراسر جهان و ۲۸ درصد آن در اتحادیه اروپا و تقریباً ۳۰ درصد بیشتر از کانادا) بود (Bureau of Economic Analysis, 2005). سرمایه‌گذاری آمریکا در سال ۲۰۱۲ به بیش از ۴۲۵ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۳ نیز با ۵۷۱ میلیون دلار، ۲۲ درصد از مجموع دارایی‌های خارجی آن کشور را شامل می‌شد. در سال ۲۰۱۴ از مجموع کل سرمایه‌گذاری ایالات متحده آمریکا در جهان (۶۰۰ میلیارد دلار) تقریباً ۹۴ میلیارد دلار آن در بریتانیا سرمایه‌گذاری شد که ۱۶ درصد کل سرمایه‌گذاری‌های ایالات متحده آمریکا را در بریتانیا

^۱ FDI

شکل می‌داد. این رقم در سال ۲۰۱۶ به ۶۸۲،۴ میلیارد دلار رسید که مجموع دارایی‌های خارجی آمریکا در بریتانیا ۱۹ درصد کل دارایی‌های خارجی بود (Center for Transatlantic Relations & AmCham EU, 2017). در طرف مقابل، بیشترین میزان سرمایه‌گذاری خارجی بریتانیا در آمریکا صورت گرفته است. (خالوزاده، ۱۳۸۴: ۴۷) در سال ۲۰۱۲ سرمایه‌گذاری بریتانیا در آمریکا به بیش از ۳۲۳ میلیارد دلار، در سال ۲۰۱۳ به ۳۳۱ میلیارد دلار، در سال ۲۰۱۴ به ۴۸۰ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۶ در حدود ۵۵۵،۷ میلیارد دلار رسید (Confederation of British Industry, 2016). شرکت‌های ایالات متحده در سال ۲۰۰۷ برای ۱ میلیون بریتانیایی ایجاد شغل کرده‌اند که این رقم در سال ۲۰۱۶، به ۱،۶ میلیون نفر رسید. همچنین شرکت‌های بریتانیایی نیز برای ۱،۴۵ میلیون نفر آمریکایی ایجاد شغل کرده‌اند (Hamilton & Quinlan, 2018: 146). پس از برگزاری رفراندوم، دیوید برسون اقتصاددان ارشد آمریکایی بر این باور است که برگزیت در کوتاه‌مدت تأثیرات منفی بر اقتصاد آمریکا خواهد داشت اما در بلندمدت مزایای اقتصادی فراوانی را بر واشنگتن در پی خواهد داشت.

بدین ترتیب، دولت ترامپ بیشتر بر مسائل اقتصادی با تمرکز بر تجارت با بریتانیا متمرکز شده است و با تشکیل کارگروه تجارت و سرمایه‌گذاری دو کشور، مذاکرات رسمی را در زمینه توافقنامه تجارت آزاد آغاز کرده است و شدیداً از آن حمایت می‌کند، زیرا آن را "فرصتی باورنکردنی"^۱ می‌نامد. این کشور درصدد است تا با توجه به روابط اقتصادی و تجاری دو کشور در طی سالیان گذشته، سیاست‌های اقتصادی و تجاری خود را باهدف خروج از اتحادیه گمرکی در زمینه تداوم ارتباط ویژه در آینده به کار گیرد. با توجه به سخنرانی ترزا می در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۷، بریتانیا در دوره پسابگزیت توافقنامه تجاری با ایالات متحده که بهبود روابط دو طرف و شکوفایی بهتری را برای بریتانیا به ارمغان خواهد آورد دنبال خواهد نمود (May, 2016) علاوه بر بریتانیایی‌ها، آمریکایی‌ها نیز نسبت به

¹ incredible opportunity

ایجاد یک معامله تجاری آزاد ابراز علاقه‌مندی کرده‌اند. ترامپ در این خصوص گفت: تجارت آزاد با بریتانیا می‌تواند بسیار بزرگ و هیجان‌انگیز باشد، زیرا اتحادیه اروپا از توقف بریتانیا بسیار حمایت می‌کند (Donald Trump, 2017). به‌طور کلی می‌توان چشم‌انداز و مزایای بالقوه تجارت آزاد دو کشور را در منافع استراتژیک، تعرفه‌ها، رفع موانع و مقررات غیر تعرفه‌ای خلاصه نمود.

○ خاورمیانه

پس از اعلام خروج بریتانیا از خاورمیانه در اوایل دهه ۱۹۷۰، جانسون^۱ و بیشتر مقامات آمریکایی، آن را خیانت بزرگی در حق آمریکا محسوب کردند. هیث در پاسخ به نگرانی‌ها گفت: بیرون رفتن نظامیان ما، بدان معنی نیست که دیگر توجهی به این منطقه بسیار حائز اهمیت نداریم. ما، تنها مناسبات خود را با زمامداران دولت‌های عرب، امروزی‌تر کرده‌ایم (دلد، ۱۳۶۳: ۲۲۷). خروج بریتانیا از خاورمیانه خدشه‌ای بر سیاست آمریکایی بریتانیا وارد ساخت، زیرا همگام با آمریکا در خاورمیانه و همچنین در جنگ‌های عراق و افغانستان، مقابله با فعالیت‌های هسته‌ای و قدرت نفوذ ایران و ... حضور یافت؛ اما نه تنها توازن قدرت منطقه‌ای را به نفع ایران تغییر داد بلکه مداخله و حضور آمریکا در خاورمیانه محدودیت‌های اقتصادی بزرگی را در زمینه تأمین هزینه‌های نظامی پیش روی آن کشور قرار داد. در پاسخ به این تغییرات، اوباما با ارائه استراتژی ویژه‌ای برای جبران خسارت‌های ناشی از جنگ‌های کشورش در دوره بوش، نیروی نظامی را در عراق کاهش داد، از مداخلات نظامی جدید در مقیاس گسترده‌تر اجتناب کرد و بیشتر به دنبال حل بحران‌ها از طریق دیپلماسی بود. بر اساس دکترین امنیت ملی آمریکا در دوره اوباما، مرکز ثقل قدرت‌های بین‌المللی از خاورمیانه به پاسیفیک منتقل شد و اوباما تغییرات مهمی در سیاست خارجی باهدف تعادل دوباره در آسیا و اقیانوس آرام آغاز کرد (Shambaugh, 2013) که متأثر از چندین عامل (۱) تحول کیفی و تعدیل کمی در وضعیت نظامی جهان به‌ویژه ایالات متحده آمریکا (۲) لزوم

^۱ Lyndon B. Johnson

تشکیل یک اتحادیه چندجانبه‌ی نظامی - امنیتی جدید به منظور کنترل و مهار چین (۳) تغییر به شکست راهبردهای مداخله‌جویانه واشنگتن در منطقه خاورمیانه و شمال افریقا بود (دهشیری، غفوری، ۱۳۹۴: ۱۷۹) زیرا دولت چین با ارائه کالاهای ارزان و تسخیر بازارهای جهانی، برنامه‌های جاه‌طلبانه‌ای را برای تبدیل شدن به یک قدرت بی‌بدیل به اجرا گذاشت. اواما نشان داد که ایالات متحده دیگر تمایلی به حضور نیروهای زمینی در خاورمیانه ندارد و به جای آن از نیروی هوایی و هواپیماهای بدون سرنشین هدفمند علیه اهداف مدنظر در سوریه، عراق، پاکستان و یمن استفاده خواهد کرد. ترامپ نیز بر این باور است که آمریکا توسط دشمنان و دوستانش به طور مشابهی به گروگان گرفته شده است و متحدینش از سخاوتمندی آن سوءاستفاده کرده و از آن سواری رایگان می‌گیرند... به گفته ترامپ، حال نوبت آمریکاست تا عقب بنشیند و بقیه دنیا هزینه بردازند. (آهوئی، ۱۳۹۶: ۵۳-۵۲) به طور کلی او معتقد است که این منطقه یک باتلاق بزرگ است که ایالات متحده باید از آن دور بماند. (درج و آقایی، ۱۳۹۶: ۴۹) بی‌دلیل نبود که ترامپ پیش از ورود به کاخ سفید به یک حرکت پرمعنی دست زد و با تاپیه تماس گرفت و تز دو چین را بر زبان آورد. (نقیب زاده، ۱۳۹۵) علاوه بر آن در پی افزایش بی‌سابقه قیمت نفت، آمریکا به استخراج منابع داخلی دست زد و به دلیل ارتقای بهره‌وری انرژی، استفاده از منابع تجدید پذیر و افزایش تولید نفت در شیل، نیاز این کشور به نفت (خاورمیانه) عربستان به سرعت در حال کاهش است و تا سال ۲۰۳۵ به صفر خواهد رسید (Rynhdd, 2014: 4) بر این اساس بریتانیا تمایل دارد با بازگشت مجدد به خاورمیانه بیش از آنکه بیانگر رقابت منابع با آمریکا باشد نقش مکمل آن را حداقل در کوتاه‌مدت ایفا کند و به‌عنوان یک هم‌پیمان همیشگی خلأها، غیبت و نقش ایالات متحده در تأمین امنیت این منطقه را از طریق تداوم رابطه و هماهنگی با آن کشور پر کند، زیرا قادر نیست بدون خاورمیانه و تداوم رابطه ویژه به حیات خود ادامه دهد.

○ حفظ امنیت اسرائیل

اسرائیل، از موضوعاتی است که برای اولین بار دو کشور را در راستای تشکیل یک دولت یهودی در یک جبهه قرار داد. با شکست امپراتوری عثمانی، بریتانیا با هدف شکل‌دهی به آینده سیاست خارجی خود در خاورمیانه به دنبال تقسیم امپراتوری عثمانی بود و از طریق اعلامیه بالفور در سال ۱۹۱۷ با حمایت قاطع و آشکار خود، ایجاد یک کشور یهودی را در داخل فلسطین به یهودیان جهان وعده داد (Hurewitz, 1956: 7-13) که با همراهی و همکاری رئیس‌جمهور آمریکا و مهاجرت یهودیان در سطح جهانی به سرزمین‌های اشغالی روبرو گردید. پس‌از آن، اسرائیل در نقش محافظ اصلی منافع استراتژیک آمریکا در منطقه در طول جنگ سرد و پس‌از آن ظاهر شد (Miglietta, 2002: 22) امروزه دو کشور هدف واحدی را در اسرائیل دنبال می‌کنند و آن حفظ امنیت رژیم صهیونیستی است، بنابراین به همکاری یکدیگر در این زمینه وابسته هستند؛ در واقع لندن و واشنگتن تلاش دارند تا در این خصوص به سه امر مهم دست یابند: ۱) نزدیک‌تر کردن اسرائیل به کشورهای عربی و نشان دادن آن به‌عنوان بازیگر تعامل‌کننده با اعراب. ۲) تأکید دو کشور بر روابط استراتژیک با اسرائیل و به‌ویژه تعامل مثبت نسبت به دغدغه‌ها و نگرانی‌های اسرائیل در قبال ایران. ۳) فرستادن پیامی به کشورهای منطقه که لندن و واشنگتن و تل‌آویو حرف اول را می‌زنند. گرچه حمایت بریتانیا از اسرائیل همانند گذشته عملاً سیاست خارجی آن کشور را در مقابل اعراب و مسلمانان خاورمیانه قرار خواهد داد. بدون شک، حفظ امنیت اسرائیل از عواملی است که پس از قرارداد بالفور و در دوره پسابرگزیت از جایگاه ویژه‌ای در سیاست خاورمیانه‌ای بریتانیا که هم‌راستا با برنامه‌های ایالات متحده می‌باشد، برخوردار خواهد بود. در واقع، حفظ یک اسرائیل قوی در خاورمیانه، منافع امنیت ملی دو کشور را در منطقه تقویت می‌کند.

○ مقابله با قدرت روسیه

رقابت بین روسیه و دو کشور بریتانیا و آمریکا سابقه‌ای طولانی دارد و به دهه‌های قبل و به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد که با تشکیل ناتو وارد مرحله جدیدی گردید. زیرا روسیه ناتو را تهدیدی امنیتی برای خود در منطقه می‌داند و به همین دلیل و با توجه

به حضور اکثریت اعضای اتحادیه اروپا در آن سازمان امنیتی، روابط روسیه با اتحادیه اروپا همواره دارای تنش و با چالش‌های فراوانی روبرو بوده است. بحران اوکراین نمونه‌ای از این تنش‌هاست که در نهایت موجب تحریم روسیه از سوی آن اتحادیه در ۶ مارس ۲۰۱۴ شد. نگاه بدبینانه بریتانیا به عنوان عضوی از اتحادیه اروپا در مراودات با آن کشور سایه افکنده و توانسته است اعضا را با نگرش‌های خود در این زمینه همراه سازد. بریتانیا بر این باور است که برای ادامه بقا و کسب جایگاه در دوره پسابریگزیت نیازمند هماهنگی و تعامل با آمریکا است زیرا به تنهایی نمی‌تواند به فعالیت در عرصه جهانی و در مقابله بانفوذ روسیه در اروپا، خاورمیانه و سایر نقاط تحت نفوذ خود ادامه دهد. بریتانیایی‌ها معتقدند که میزان افزایش قدرت نفوذ روسیه در منطقه و به‌ویژه در خاورمیانه که یکی از مناطق فعالیتی مدنظر بریتانیا در دوره پسابریگزیت به شمار می‌رود موجب کاهش امنیت و نفوذ آن کشور خواهد شد. بدین ترتیب درصدد خواهد بود تا از طریق تقویت رابطه ویژه با آمریکا خلأهای موجود را جبران نماید. به‌طور کلی باید اذعان داشت که همکاری بریتانیا و آمریکا به‌طور مستقیم علیه روسیه نیست و نخواهد بود، اما آن‌ها به دنبال سهم‌گیری بیشتر و کاهش نفوذ آن کشور در معادلات جهانی هستند و تلاش خواهند کرد تا در مقابل آن رفتاری متقابل و دور از خشونت داشته باشند.

○ اعمال تحریم‌ها

از آنجایی که بریتانیا به همراه دو عضو دیگر اتحادیه اروپا (فرانسه و آلمان) که از میزان و قدرت نفوذ بالایی در معادلات قدرت منطقه‌ای و جهانی برخوردار هستند نقش ویژه‌ای در سازوکار و اعمال تحریم علیه برخی کشورها (کره شمالی، روسیه و ایران و ...) داشته‌اند؛ بنابراین، خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا عدم قطعیت‌های زیادی را در رابطه با تحریم‌ها و عدم مشارکت بریتانیا در قطعنامه‌های تحریمی آینده علیه برخی از کشورها در برداشته است؛ اما به نظر می‌رسد بریتانیا برنامه‌ای برای خروج از سیاست‌های تحریمی اتحادیه اروپا ندارد و بر این باور هستند که تحریم‌های زمانی مؤثر و مفید خواهند بود که بر اساس تلاش دسته‌جمعی و در راستای تأمین امنیت آن قاره صورت گرفته باشد. یکی از بحث‌ها دیگری

که امروزه وجود دارد آن است که با برگزیت از میزان تأثیرگذاری بریتانیا بر تحریم‌های در سطح بین‌المللی کاسته خواهد شد؛ اما اعمال تحریم‌ها ربطی به عضویت تحریم کننده در اتحادیه اروپا ندارد؛ زیرا در طول سال‌های گذشته برخی از کشورهای تحریم کننده با وجود عدم عضویت در اتحادیه اروپا و شورای امنیت توانسته‌اند (مانند کانادا) در اعمال تحریم‌ها با سایر کشورها همراه گردند؛ بنابراین در خصوص همکاری بریتانیا در زمینه تحریم مانعی ایجاد نخواهد شد و به نظر می‌رسد بریتانیا به‌عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد با برخورداری از حق وتو، قدرت سیاسی خود را حفظ خواهد کرد و با هماهنگی و قرار گرفتن در کنار یکی از متحدین بلافاصله خود، مواضع خود را با توجه به اتحاد شانه‌به‌شانه، کاملاً در راستای سیاست‌های آمریکایی علیه کشورها تنظیم خواهد کرد.

ب) سناریوهای محتمل

این دسته از سناریوها، سناریوهایی هستند که در مقایسه با سناریوهای مطلوب از احتمال وقوع کمتری برخوردار هستند. در این قسمت سعی خواهد شد سه سناریو در رابطه با آینده دو کشور بررسی گردد.

○ حفظ یک‌طرفه رابطه ویژه

در چارچوب این سناریو، ایالات متحده تمایل چندانی به حفظ رابطه ویژه ندارد، اما باهدف استفاده از موقعیت‌های احتمالی بریتانیا، صراحتاً این موضوع را مطرح نمی‌کند و تمام تلاش‌ها برای ادامه رابطه ویژه، یک‌طرفه و تنها از سوی بریتانیا اعمال می‌شود. دولت محافظه‌کار بریتانیا درصدد خواهد بود تا از خواسته‌های و انتظارات حداکثری خود در ارتباط با رابطه ویژه صرف‌نظر کند و این واقعیت را به اعضای کابینه و مردم کشورش بقبولاند که بدون همراهی و همکاری با ایالات متحده نمی‌تواند مسائل و موضوعات مختلف را در دوره پسابریگزیت پیگیری، حل و رفع نماید؛ بنابراین در تلاش خواهد بود تا به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم آمریکا را متقاعد نماید که پایان رابطه ویژه به موقعیت و هژمونی آن کشور در سطح بین‌الملل آسیب خواهد رساند. بر این اساس بریتانیا از هر طریقی از خروج

آمریکا از این رابطه جلوگیری می‌کند و تلاش دارد تا محدودیت‌های اقتصادی و سیاسی احتمالی وارده بر آن کشور را در صورت خروج از اتحادیه اروپا، در قالب کلی‌تر و کلان و بر اساس روابط اقتصادی دوجانبه و بازار آزاد پیگیری نماید تا ضمن حل کردن مشکل اقتصادی خود از جایگاه آن کشور در سطح جهانی بهره جوید. علاوه بر این تلاش خواهد کرد تا به‌جای به هم خوردن رابطه ویژه، با همکاری و هماهنگی دوطرفه از سازوکارها، ابهامات و یا کوتاهی‌های که در این خصوص وجود دارد برای طرح و پیگیری مسائل مدنظر آمریکا استفاده کند. بدین ترتیب درصدد است تا به شرکت‌ها و بازیگران بخش خصوصی و دولتی ایالات‌متحده که با بریتانیا در طول سالیان گذشته روابط تجاری داشته‌اند تضمین دهد که بریتانیا تمایلی به قطع روابط سیاسی و اقتصادی با ایالات‌متحده ندارد تا از این طریق به بهره‌مندی از مزایای اقتصادی و ماندن در بریتانیا امیدوار باشند. بر همین اساس دولت ترمزومی پس از ملاقات با ترامپ در تلاش بود تا با تشکیل یک کارگروه مشترک، ایجاد یک چارچوب و کانال گفتگو و تبادل نظر برای مسائل مطرح در بین دو طرف را در دستور کار قرار دهد تا از این طریق بتواند رویکرد هماهنگ‌تری را در قبال مسائل و موضوعات مشترک اتخاذ نماید.

○ تنزل روابط سیاسی از سطح هم‌پیمانی استراتژیک به سطح دوستی

حاکمیت جمهوری خواهان شبیه ترامپ در آمریکا که تأکید و توجه زیادی برای سلطه بر روابط بین‌الملل دارند و بر این باورند که آمریکا به‌عنوان قدرتمندترین دولت در میان بازیگران دولتی، با هیچ‌یک از آن‌ها منافع مشترکی ندارد، بلکه در روابط یک‌جانبه معاملات با آن‌ها دخیل است. (بیگدلی، خبیری، ۱۳۹۴: ۲۱) از آنجایی که برجام به‌عنوان یک سند بین‌المللی در شورای امنیت سازمان ملل مورد تصویب و موافقت قرار گرفته اما آمریکا بدون توجه به قوانین بین‌المللی ضمن نقض برجام از این موافقت‌نامه خارج شد و تحریم‌های مجدد را علیه جمهوری اسلامی اعمال کرد؛ اما بریتانیا و فرانسه به‌عنوان دو عضو مهم شورای امنیت با این تصمیم آمریکا همراهی نکردند. البته این عدم همراهی به دلیل حفظ جایگاه سیاست خارجی کشورشان بود. این ایده سلطه‌طلبی محافظه‌کاران می‌تواند انگیزه‌ای

برای بریتانیا در راستای حفظ سیاست خارجی خود و عدم ورود به اتحادیه‌ها، برنامه‌ها و اهداف استراتژیک آمریکا باشد.

ترامپ با رویکردی رئالیستی صرفاً منافع ایالات متحده را دنبال می‌کند و بریتانیا به این نتیجه رسیده است که نمی‌تواند در دوره پسابریگزیت بخشی از خلأهای خود را از طریق آمریکا پر کند. تهدید آمریکا به خروج از سازمان منطقه‌ای و بین‌المللی و لغو معاهدات نمونه‌ای از برنامه‌ها و استراتژی نامشخص ترامپ به شمار می‌رود. خود آمریکایی‌ها و جمهوری خواهان گرایش شدیدی به تحت فشار دادن کشورها دارند و حتی کشورهای اروپا که اکثر هم‌راستا و در جهت منافع آنان گام برمی‌دارند تهدید به تحریم می‌شوند. قطعاً دیدگاه ترامپ مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌های متفاوت است که در قالب یک‌جانبه‌گرایی حفظ می‌شوند اگرچه برخی از این باورها به سیاست‌های آمریکا پس از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد اما بی‌تردید انزوا گرایی بخش عمده‌ای از این باورها به شمار می‌رود. (Hanies, 2017: 136) شاید در آینده و در صورت موفقیت مجدد جمهوری خواهان در آمریکا این وضعیت ادامه پیدا کند و دست آن‌ها در چهار سال بعدی گشادتر باشد. یک‌جانبه‌گرایی دولت آمریکا در یکی دو سال اخیر و تعیین تعرفه بر کالاهای صادراتی از کشورهای شریک، نگرانی‌های گسترده‌ای را برای این کشورها و به‌ویژه بریتانیا تدارک دیده است. با توجه سیاست‌های ضد مهاجرتی ترامپ، در بریتانیا، این‌گونه به نظر می‌رسید که این کشور می‌تواند خود را به ترامپ نزدیک کند اما این برنامه تأثیرات جدی روی سیاست داخلی بریتانیا بر جای نگذاشت. بارزترین نمود این مسئله گسترش اعتراضات مردمی و گروه‌های اپوزیسیون در مخالفت با دیدار برنامه‌ریزی ترامپ از این کشور است. در ابعاد کلی‌تری، انگیزه‌های سیاسی داخلی دولت بریتانیا این نیست که کشور را به‌عنوان "نوکر" آمریکا در ذهن مردم نشان دهد و بتواند این اتهام را به آن وارد کنند که مطیع دستورات و اوامر آمریکاست (Azubuike, 2005). بنابراین، احتمالاً بریتانیایی‌ها از این پس دستورات آمریکایی‌ها را برنتابند؛ زیرا بر اساس ایده بریتانیای جهانی، بریتانیا از قیدوبندها و محدودیت‌های اتحادیه اروپا خارج خواهد شد و به‌عنوان یک قدرت مستقل در عرصه جهانی

به ایفای نقش و نفوذ جهانی خواهد پرداخت و تلاش دارد، در تمامی مناطق حضورداشته باشد، ائتلاف‌های پیشین را احیا نماید، شراکت‌های جدیدی به وجود آورد، ضمن تقویت چارچوب‌های دوجانبه، بر اساس نظام مطلوب خود توافقنامه‌های تجاری دوجانبه را با سایر کشورها امضا کند (Major and Von Ondarza, 2018: 11)

○ گرایش بریتانیا به سیاست بی‌طرفی در استراتژی‌های منطقه‌ای آمریکا (منزاعه اسرائیل - اعراب)

گرایش بریتانیا به سیاست بی‌طرفی در قبال تحولات اعراب - اسرائیل، صرفاً نتیجه محاسباتی و یا تصمیم‌گیری دولت حاکم یا یک حزب نخواهد بود. بلکه عدم همراهی اسرائیل با برنامه‌های مدنظر بریتانیا و اتحادیه اروپا در چند سال اخیر باهدف پایان دادن به اختلافات اسرائیل - فلسطین بریتانیا را به این نتیجه رسانده است که نمی‌تواند اثرگذاری خاصی بر آن کشور داشته باشد. بریتانیا از سال‌ها پیش فلسطین و اسرائیل را در جهت تشکیل دو دولت سوق داده است اما تل‌آویو با مقاومت بیش‌ازحد همچنان حاضر به قبول پیشنهاد دو دولت نیست و همه تلاش‌های خود را به کار می‌برد تا ضمن عدم تشکیل دو دولت، نگاه‌ها را منحرف ساخته و تلاش‌های غرب را در مسیر دیگری از جمله مهار ایران و یا لغو توافق هسته‌ای (برجام) به کار گیرد. همچنین، بریتانیایی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که گسترش زرادخانه‌های هسته‌ای اسرائیل و تشدید اختلافات منطقه‌ای مثال دیگری از ناکامی دولت بریتانیاست که از نظر آن‌ها شکست‌های مذکور نتیجه راهبرد نادرست سیاست‌های آمریکاست که سال‌هاست توسط جمهوری خواهان دنبال می‌شود؛ زیرا، اسرائیل درصدد است تا از طریق روابطی که از دهه‌ها پیش با جمهوری خواهان آمریکا دارد اهداف راهبردی خود را از طریق آنان در خاورمیانه به کار گیرد و از این طریق نسبت به نفوذ و تغییرات موردنظر اقدام نماید. تأسیس سفارت آمریکا در بیت‌المقدس، به رسمیت شناخته شدن بلندی‌های جولان در حاکمیت اسرائیل، خروج از توافقنامه برجام از مثال‌های عینی هستند که آمریکا تلاش دارد ضمن جلوه دادن اسرائیل به‌عنوان بازیگر منطقه‌ای منافع بریتانیا را در منطقه مورد تهدید قرار دهد. از آنجایی که خاورمیانه به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی

سیاست خارجی آن بریتانیا در دوره پسابریگزیت قرار دارد لندن به منظور مقابله بانفوذ اسرائیل و جلب توجه اعراب، رویکرد خود را تغییر داده و در منازعه اعراب اسرائیل سیاست بی طرفی را اتخاذ نماید. به همین دلیل ترازمی با سخنرانی در نشست شورای همکاری خلیج فارس در ۷ دسامبر سال ۲۰۱۶ بر اهمیت تجدید همکاری بریتانیا و منطقه تأکید نمود و گفت "امنیت خلیج فارس امنیت ماست" و رفاه شما (خلیج فارس) رفاه ما (بریتانیا) است (May, 2016). وی تلاش داشت که دیدار او فصل جدیدی از روابط بین بریتانیا و خلیج فارس را بگشاید.

۳) سناریو ممکن

یکی از احتمالات ممکن در آینده روابط ویژه بریتانیا و آمریکا که به لحاظ تحقیق و عدم قطعیت از اهمیت کمتری نسبت به دو سناریوی قبلی برخوردار است و دسته آینده‌های ممکن قرار می‌گیرد قطع رابطه دو کشور است. با وجود مطلوب بودن رابطه دو کشور در شرایط فعلی، اما این احتمال وجود دارد که با پیروزی حزب کارگر، این حزب دنباله‌رو سیاست‌های دولت فعلی نباشد، زیرا جرمی کوربین رهبر حزب کارگر، دارای سابقه ضدآمریکایی است (Economist, 2018) و حمایت عموم از برگزیت ظاهر درونی و انزوای طلبانه بخش‌های قابل توجهی از جامعه بریتانیا را نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد به دنبال اولویت دادن به استقلال داخلی از تعهدات بین‌المللی به منظور نفوذ بر سیاست‌های بین‌المللی هستند (Foster, 2016). علاوه بر این برخی از اقدامات آمریکا در یکی دو سال اخیر (اعلام ناگهانی برای خروج آمریکا از سوریه، مخالفت کنگره با ادامه حمایت از عربستان در حمله به یمن، لغو یک‌طرفه برجام، اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران، ناکامی در مذاکره با کره شمالی و ...) از عواملی هستند که ضمن نمایش یک‌جانبه‌گرایی و تندروی ترامپ، احتمالاً بر روابط دو کشور تأثیرگذار خواهند بود و جهت‌گیری‌های پیچیده‌ای را در سیاست خارجی آمریکا ایجاد خواهند کرد. بنا بر اسناد رسمی و سخنرانی‌های مقامات کاخ سفید، راهبرد جدید آمریکا که به معنای کاهش اهمیت استراتژیک بریتانیا برای آمریکا در

قالب سناریوی قطع ارتباط دو کشور خواهد بود و واشنگتن تمایلی نخواهد داشت چون گذشته تمرکز خود را روی لندن معطوف دارد. کالین پاول در جریان سفر به بریتانیا در اوت ۲۰۰۳ گفت: بریتانیا تنها از طریق اتحادیه اروپایی است که می‌تواند نفوذ خود را بر آمریکا افزایش دهد. انتخاب واقعی بریتانیا، انتخاب بین آمریکا و اروپا نیست و بریتانیا نباید نگاهی خصمانه نسبت به اروپا داشته باشد، بلکه می‌تواند از عضویت خود در اتحادیه اروپایی در تقویت روابط فرا آتلانتیکی سود ببرد. اگر بریتانیا قصد دارد گامی فراتر پیش نهد، شایسته است که این گام را به همراه شرکای اروپایی خود بردارد تا منافع اعضا از این‌گونه روابط تأمین گردد. (خالوزاده، ۱۳۸۴: ۱۹) همچنین، در یکی از اسناد آمریکایی خطاب به اعضای کنگره در سال ۲۰۱۵ آمده است، ممکن است بریتانیا دیگر در تمامی مسائل و موضوعات به‌عنوان اولویت آمریکا مدنظر قرار نگیرد. ... درحالی‌که بریتانیا و آمریکا همچنان به‌عنوان شرکای اقتصادی یکدیگر باقی می‌مانند اما رابطه ویژه با این کشور نیازمند بازنگری است زیرا مناسبات ژئوپلیتیک در حال تغییر کردن است. (روزنامه جام جم، ۱۳۹۴: ۵) دولت اوپاما نیز همانند دولت‌های قبلی، بر ماندن بریتانیا در اتحادیه اروپا تأکید داشت، زیرا از نگاه وی، بریتانیا طرفدار سیاست‌های روابط اتحادیه با آمریکا در زمینه‌های تجارت آزاد، گسترش اتحادیه اروپا و همکاری در امور خارجی، امنیتی و دفاعی بود. (Rees, 2017)

در این سناریو مفروض آن است که بر اثر برگزیت روابط دو کشور دستخوش تغییرات جدی خواهد شد و برخلاف دهه‌های گذشته و با تضعیف جایگاه لندن در عرصه جهانی، منطقه‌ای، نقش بریتانیا به‌عنوان پلی بین ایالات متحده و اروپا از بین خواهد رفت و منجر به تقویت برنامه‌های اتحادیه اروپا خواهد شد که با منافع آمریکا همخوانی نخواهد داشت (Rees, 2017). بدین ترتیب آمریکا با ترجیح روابط با اتحادیه اروپا به شریک اصلی آن اتحادیه تبدیل خواهد شد. نزدیکی آمریکا به اروپا و به‌ویژه نفوذ در اتحادیه اروپا به تضعیف هر چه بیشتر و جدی بریتانیا خواهد انجامید. به‌گونه‌ای که با شروع تضعیف رابطه دو کشور از دوره اوپاما این روند در دوره ترامپ از شتاب ویژه‌ای برخوردار شد؛ زیرا برخی بر این

باورند که این احتمال وجود دارد بریتانیا با تنزل از جایگاه یک "بازیگر ثابت"^۱ به یک "بازیگر ذخیره و نیمکت نشین"^۲ در عرصه بین‌الملل (Niblett, 2015: 10). از تعهدات بین‌المللی خویش عقب‌نشینی و به سمت انزوا‌گرایی حرکت کند (Oliver, 2016: 694). عدم حضور دیپلماتیک بریتانیا در شرق اوکراین و همچنین عدم مشارکت در اولین اقدام نظامی آمریکا علیه سوریه در سال ۲۰۱۳ به دلیل مخالف پارلمان آن کشور از دلایلی است که این‌گونه در مورد لندن قضاوت می‌کنند.

کاهش بودجه نظامی و دفاعی بریتانیا (۱۹ درصد) و بودجه اداره امور خارجه (۱۶ درصد) در طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ (Niblett 2015: 9-14) شک و تردیدهای ویژه‌ای را در خصوص تعهدات دفاعی و ادامه عضویت در ناتو را فراروی آمریکا قرار داده است. از آنجایی که بریتانیا بزرگ‌ترین سهم بودجه ناتو پس از ایالات‌متحده را بر عهده دارد ممکن است توانایی اقتصادی لندن به‌ویژه در اثر برگزیت سخت (خشن) تحت تأثیر قرار گیرد و موجب کاهش نیروی نظامی و اختصاص دو درصد از تولید ناخالص داخلی در حوزه دفاعی گردد. به همین دلیل جیمز ماتیس، وزیر دفاع آمریکا با اعلام نگرانی به همتای بریتانیایی خود اعلام کرد من نگران آن هستم که توانایی شما در تأمین بودجه نظامی که پایه مهم و اساس موفقیت‌های دیپلماتیک به شمار می‌رود کاهش یابد (www.yjc.ir, 1397) و هشدار داد که در این صورت بریتانیا "شریک انتخابی"^۳ ایالات‌متحده نخواهد بود، مگر آنکه سرمایه‌گذاری‌های دفاعی را افزایش دهد. اندرو دورمن یکی از اعضای اتاق‌های فکر بریتانیا نیز درباره کاهش بودجه نظامی گفت: نگران این هستیم که بریتانیا در حال عقب افتادن از آمریکا باشد و ممکن است از دید این کشور بی‌تأثیر شود (www.yjc.ir, 1397).

موقعیت ارضی و سرزمینی بریتانیا یکی دیگر از مشکلاتی است که احتمالاً بر رابطه دو کشور سایه بیفکند؛ زیرا از یک‌سو وضعیت ایرلند شمالی که دارای سابقه جنگ با

¹ first team

² reserve bench

³ partner of choice

بریتانیاست و صلح آن بر اساس توافقی در سال ۱۹۹۸ و در دوره کلینتون صورت گرفت امروزه در قلب مذاکرات بریتانیا و اتحادیه اروپا قرار گرفته و وضعیت آن نامشخص است. از سوی دیگر، با پیروزی برگزیت و گسترش احساسات ناسیونالیستی در بریتانیا، اسکاتلندی‌ها برگزاری رفراندوم دوم را خواستار شده‌اند که در صورت پیروزی منافع امنیتی آمریکا و روابط ویژه را تحت تأثیر قرار خواهد داد. چراکه بیشتر تأسیسات و فعالیت‌های هسته‌ای بریتانیا که بر روی سیستم‌های موشکی آمریکا نصب شده‌اند در اسکاتلند مستقر هستند و از آنجایی که حزب ملی اسکاتلند^۱ مخالفت خود را با سلاح‌های هسته‌ای و برجیده شدن تأسیسات هسته‌ای اعلام داشته است. تجزیه این منطقه و استقلال اسکاتلند، وضعیت بریتانیا را به‌عنوان یک شریک اصلی برای آمریکا تضعیف می‌کند. بدین ترتیب عواقب سیاسی و استراتژیک مرتبط با آن دولت بریتانیا را مجبور به لغو روابط با آمریکا در زمینه هسته‌ای خواهد نمود. (Chalmers & Chalmers, 2014)

بنابراین، چنین احتمالاتی در مورد نقش آینده بریتانیا در عرصه منطقه‌ای و بین‌الملل موجب خواهد شد وزن و جایگاه بریتانیا به‌عنوان مهم‌ترین شریک راهبردی آمریکا، با اماواگرهای فراوانی روبرو گردد و لندن نخواهد توانست رابطه ویژه را ادامه دهد. بدین ترتیب آمریکا در صدد خواهد بود تا با توجه به افول جایگاه و نقش بریتانیا در اتحادیه اروپا اهداف و منافع استراتژیک خود را در اتحادیه اروپا از طریق فرانسه و آلمان دنبال نماید؛ زیرا اتحادیه اروپا دارای ارزش بیشتری برای آمریکا در مقایسه با بریتانیا خواهد بود؛ بنابراین برای نفوذ هر چه بیشتر خود تلاش می‌کند و قصد دارد تا از این طریق وابستگی آنان به خود، نفوذ بریتانیا را در این کشورها به کمترین حد ممکن برساند. در این صورت توافقنامه لنکستر سال ۲۰۱۰ بریتانیا و فرانسه در خصوص همکاری‌های هسته‌ای و دفاعی تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و به دلیل ناتوانی و عدم ایفای نقش بریتانیا، دولت ماکرون با چشم‌پوشی از اختلافات جزئی کشورش با آمریکا، تلاش خواهد کرد تا از قابلیت‌های عضویت فرانسه در

^۱ SNP

اتحادیه اروپا و تبدیل شدن کشورش به پل جدید بین آمریکا و اروپا سود ببرد. (Martil & Sus, 2018) به طور خلاصه، برگزیت شرایط جدیدی را برای آمریکا که دارای همگرایی بیشتری نسبت به بریتانیا در مقایسه با کشورهای غربی است فراهم خواهد آورد که احتمالاً باعث بروز اختلافات و رقابت و همچنین قطع رابطه ویژه دو کشور گردد که بریتانیا به صورت ناگهانی به قدرت ضعیف اروپا تبدیل شده و از میزان نقش آن در معادلات منطقه‌ای کاسته شود؛ اما درصدد خواهد بود تا در مقابله با آمریکا، نفوذ سنتی خود را بر برخی از مناطق حفظ نماید؛ زیرا معتقد است برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا همواره تحت نفوذ لندن باقی خواهند ماند.

نتیجه گیری

بیشتر محققین و تحلیل گران، امروزه در باب آینده روابط ویژه ایالات متحده آمریکا و بریتانیا، با توجه به پیش فرض‌های خود و با تکیه بر روابط چندین ساله دو کشور، تحلیل‌های متفاوتی در خصوص رابطه ویژه دو کشور در آینده دارند. این در حالی است که باهدف دستیابی به نتیجه مطلوب و مؤثر در تحقیق، در درک رابطه بین دو کشور باید با دیدی جامع به مناسبات و عوامل مؤثر بر روابط دو کشور نگریست. با تقویت همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک دو کشور در طی قرن نوزدهم، واشنگتن در ابتدای قرن بیستم قویاً در صحنه جهانی گام برداشت و مناسبات دو کشور به علت قرار گرفتن در یک حوزه ارزشی، فرهنگی و تمدنی مشترک از چشم‌اندازی به ظاهر خلل‌ناپذیر برخوردار شد. با وجود اختلافات جزئی دو کشور در ابتدای جنگ جهانی دوم همکاری‌های ضمنی بین آن‌ها ادامه یافت و با گسترده شدن حمایت‌های نظامی و اقتصادی ایالات متحده این رابطه بیشتر مورد توجه قرار گرفت و تحت عنوان رابطه ویژه رایج گردید. رابطه ویژه، دو طرف را در راستای دستیابی به منافع و اهداف مشترک در ارتباط با منافع سیاسی، اقتصادی، نظامی و به ویژه مقابله با فاشیسم و کمونیسم شوروی یاری رساند.

همان گونه که به آن اشاره شد پیوندهای مهم و اشتراک تاریخی، فرهنگی و زبانی دو کشور از عوامل اصلی ایجاد، تقویت و تداوم رابطه ویژه در بیش از هفت دهه گذشته است. در طی این مدت رابطه ویژه به گونه‌ای پیش رفته که همسویی بریتانیا با آمریکا در کانون توجه سیاست خارجی لندن قرار گرفته است. با توجه به برگزاری فراندوم خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا در ژوئن ۲۰۱۶ و نتایج حاصل از این پژوهش، وقوع سناریوی مطلوب با تأکید بر تقویت و تداوم رابطه ویژه بین دو کشور در مقایسه با دو سناریوی محتمل و ممکن به واقعیت نزدیک تر است. یافته‌ها بیانگر آن است که بریتانیا به عنوان یک شریک واقعی و قوی در کنار ایالات متحده آمریکا باقی خواهد ماند و بعید است که برگزیت بر روابط دو کشور تأثیرات منفی داشته باشد. موافقان خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا بر این باورند که ادغام بیشتر و ادامه دار آن کشور با اتحادیه اروپا، با کاهش نسبی حاکمیت و قدرت بریتانیا در سطح جهانی روبرو خواهد شد در حالی که تداوم ارتباط با ایالات متحده، ارتباطی با کاهش حاکمیت ملی آن کشور ندارد و جایگاه بریتانیا حفظ خواهد شد. بریتانیا برای کاهش روابط خود با ایالات متحده برنامه و یا تصمیم خاصی ندارد چراکه وابستگی آن کشور به آمریکا و به ویژه پس از آغاز جنگ سرد بیش از اندازه بوده است و با توجه به وابستگی‌ها و روابط دو طرف، بریتانیا این آمادگی را ندارد که در دوره پس‌برگزیت بدون حضور ایالات متحده در راستای سیاست‌های جهانی خود گام بردارد. بدین ترتیب بریتانیا برای حفظ رابطه تلاش‌های زیادی خواهد کرد؛ زیرا همکاری‌های دو کشور در زمینه‌های مبارزه با تروریسم، اقتصاد، ناتو، کمک به حل بحران‌های جهانی و منطقه‌ای، همکاری‌های نظامی، دیپلماتیک و ... گسترده شده است.

همچنین، بریتانیا در صدد است تا از طریق تعمیق رابطه ویژه نفوذ خود را در اتحادیه اروپا تداوم بخشد و به واسطه تداوم سیاست همیشگی خود با ایجاد برقراری موازنه بین آمریکا و کشورهای اروپایی گام بردارد تا از این طریق نفوذ خود را در اتحادیه اروپا در سطح منطقه‌ای به عنوان عضوی از اعضای تصمیم‌گیری برای سیاست‌های جهانی ثابت نگه دارد. بریتانیایی‌ها تلاش دارند تا به دلیل برگزیت در مسیر انزوآوری قرار نگیرند، موقعیت‌های

قبلی خود را نسبت به ایالات متحده توسعه دهند، درصدد ایجاد بازار آزاد تجاری باشند، از ناتو به عنوان یک نهاد امنیتی برجسته در سراسر آتلانتیک حمایت نمایند که آمریکا به وجود و فعالیت لندن در آن سازمان نظامی شدیداً نیازمند است؛ بنابراین درصدد است تا از تغییر ساختارهای دفاع ملی اتحادیه اروپا در جهت تحت تأثیر قرار دادن رابطه بریتانیا با اتحادیه اروپا جلوگیری کند، بدین معنا که شرایط را برای ایجاد رقابت با ناتو را برای آنها فراهم نخواهد ساخت. به طور خلاصه، خروج بریتانیا نه تنها به تضعیف همگرایی دو کشور منجر نخواهد شد بلکه تقویت روابط دو کشور را در پی خواهد داشت.

منابع:

- اساکول، پی (۱۳۸۴) **روش‌های مطالعات آینده پژوهی**، ترجمه سعید خزایی، تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و صنایع دفاعی، معاونت اطلاع رسانی و خدمات علمی
- آهویی، مهدی. (۱۳۹۶). «تحلیلی بر راهبرد اتحادهای آمریکا در خاورمیانه و گزینه‌های محتمل در قبال ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های روابط بین الملل**، دوره اول، شماره ۲۳، صص ۷۷-۴۳.
- باشگاه خبرنگاران. (۱۳۹۷). «آیا رابطه انگلیس و آمریکا رو به پایان است»، قابل دسترسی در: <https://www.yjc.ir/fa/news/6584189>
- باشگاه خبرنگاران. (۱۳۹۷). «لندن نگران کنار گذاشته شدن از سوی آمریکا به دلیل بودجه نظامی پایین»، قابل دسترسی در: <https://fa.alalamtv.net/news/3651491>
- بیگدلی، محمدرضا، کابک، خبیری. (۱۳۹۴). «تأثیر سیاست خارجی دولت ترامپ بر مکانیزم امنیت دسته‌جمعی»، **فصلنامه مطالعات روابط بین الملل**، سال دهم، شماره ۴۰.
- خالوزاده، سعید. (۱۳۸۴). «کالبدشکافی روابط سیاسی - امنیتی ایالات متحده و انگلستان پس از جنگ جهانی دوم»، **کتاب اروپا ۵ (ویژه روابط انگلیس و اروپا)**، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- خزایی، سعید و همکاران. (۱۳۸۱). **دیده بانی، مفاهیم، روش‌ها و پایگاهها**، تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- درج، حمید و آقایی، سید داود. (۱۳۹۶). «جایگاه راهبردی یمن در سیاست خارجی و امنیتی ترامپ»، **فصلنامه مطالعات روابط بین الملل**، سال دهم، شماره ۴۰، صص ۶۸-۳۹.
- دلد، اسکندر. (۱۳۶۳). **سلطه جویان و استعمارگران در خلیج فارس**، تهران: انتشارات نوین.
- دهشیری، محمد رضا، غفوری، مجتبی. (۱۳۹۴). «الزامات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در قبال سیاست‌های خاورمیانه‌ای جدید»، **فصلنامه سیاست‌های راهبرد و کلان**، سال سوم، ش ۱۲. صص ۱۹۳-۱۷۵
- **روزنامه جام جم**. (۱۳۹۴/۱/۲۴). «دوران روابط ویژه آمریکا و انگلیس به آخر رسید»، شماره ۴۲۳۲.

- عزیزاده، عزیز، وحیدی مطلق، وحید و ناظمی، امیر. (۱۳۸۷). سناریو نگاری یا برنامه ریزی بر پایه سناریوها، تهران: موسسه مطالعات بین المللی انرژی.
- فونتن، آندره. (۱۳۶۹). تاریخ جنگ سرد، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر نو
- قدیری، روح‌الله. (۱۳۸۶). «بررسی چند تجربه ملی آینده‌نگاری»، مجموعه مقالات دومین کنفرانس مدیریت تکنولوژی، تهران.
- کورنیش، ادوارد. (۱۳۸۸). آینده پژوهی پیشرفته: نگاهی ژرف بر اصول، مبانی و روش‌های آینده پژوهی، ترجمه سیاوش ملکی فر، تهران: اندیشکده صنعت و فناوری، گروه آینده پژوهی و دیده بانی.
- لیندگرن، ماتس و یاندهولد، هانس. (۱۳۸۶). تدوین سناریو، پیوند بین آینده و راهبرد، ترجمه عزیز تاتاری، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فن‌آوری‌های دفاعی.
- مظفری، علی. (۱۳۸۸). «آینده‌پژوهی، بستر عبور از مرزهای دانش»، فصلنامه پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، دور اول، زمستان، شماره ۸.
- موسوی زاده، علیرضا. (۱۳۸۹). «دیپلماسی انگلستان در قبال شورای همکاری خلیج فارس در آغاز قرن بیست و یکم با تاکید بر مسائل ایران و روابط با امارات متحده عربی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال اول، شماره ۴
- ناصر آبادی، زهرا. (۱۳۷۹). آینده پژوهی، تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی استراتژیک، موسسه آموزشی و تحقیقات صنایع دفاعی.
- نپوری زاده، بهنام. (۱۳۸۸). آینده پژوهی، مفاهیم، روش‌ها، تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فن‌آوری دفاعی، موسسه تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- نقیب زاده، احمد. (۱۳۹۵). «انگلستان در خلیج فارس تکاپوی تازه در سیاست خارجی»، جام جم آنلاین.
- Ackerman, Spencer (June 24, 2016) “US-UK Security Officials Cement Intelligence Partnership after Leave Vote,” Guardian. available in: <https://www.theguardian.com/us-news/2016/jun/24/us-uk-security-intelligence-royal-air-force-leave-vot>
- Asthana, Anushka/Mason, Rowena (2016): Barack Obama: Brexit would Put UK ‘Back of the Queue’ for Trade Talks, Guardian, 22

- April, available at:
<https://www.theguardian.com/politics/2016/apr/22/barack-obama-brexite-uk-back-of-queue-for-trade-talks>
- Azubuik, S. (2005) "The poodle theory and the anglo American special relationship", *International Studies*, 42(2):123-139. available in:
https://www.researchgate.net/publication/240967199_The_Poodle_Theory_and_the_Anglo-American_Special_Relationship
 - Bird, J. (2015). *NATO's Role in Counter-Terrorism, Perspectives on Terrorism*, Vol 9, No 2.
 - Blair, T (2007) Blair's resignation speech. Available at:
http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/politics/6642857.stm
 - British Prime Minister's Office(2012) *US and UK Counterterrorism Cooperation*, at
<http://www.number10.gov.uk/news/counterterrorism-cooperation>
 - Brown, G. (2007) PM arrives in US for wide-ranging talks. Available at: <http://www.number10.gov.uk/Page12694>
 - Bureau of Economic Analysis(2005) "U.S. Direct Investment Abroad: Balance of Payments and Direct Investment Position Data," <http://www.bea.doc.gov/bea/di/di1usdbal.htm>.
 - Center for Transatlantic Relations & AmCham EU, *Transatlantic Economy* (2017)
http://www.amchameu.eu/sites/default/files/170227_full-book.pdf
 - Chalmers, Hugh and Chalmers, Malcolm(2014) *Relocation, Relocation, Relocation: Could the UK's Nuclear Force be Moved after Scottish Independence?* Royal United Services Institute, London: RUSI, 19. available in:
https://rusi.org/sites/default/files/201408_op_relocation_relocation_relocation.pdf
 - Churchill, Winston S. (1946) "Sinews of Peace," in *Never Give In! The Best of Winston Churchill's Speeches*, ed. Winston S. Churchill, (New York: Hyperion, 2003), 413-424.
 - Clinton, Hillary(2014) *Hard Choices*, London: Simon & Schuster UK, 375.. available in:
<https://www.simonandschuster.com/books/Hard-Choices/Hillary-Rodham-Clinton/9781476751474>

- Cohen, Joel E (2001) *What the future Holds*. U.S.A: Library of congress cataloging – in- publication.
- Confederation of British Industry(2016) *Sterling Assets*, <http://www.cbi.org.uk/news/sterling-assets-report-uk-is-biggest-single-investor-in-usa/>
- Conley, Heather A. (March 5, 2018) Senior Vice President for Europe, Eurasia, and the Arctic, Center for Strategic and International Studies), Q 118.
- Crisp, J. (28 August 2017) Britain will be vulnerable to terrorists after Brexit, claims lead EU negotiator as he stokes security fears, *The Telegraph*, Available at <https://www.telegraph.co.uk/news/2017/08/28/britain-will-vulnerable-terrorists-brexit-claims-lead-eu-negotiator/>
- Daddow, Oliver and Gaskarth, Jamie (2011): Introduction: Blair, Brown and New Labour's Foreign Policy, 1997-2010, in: Oliver Daddow and Jamie Gaskarth (eds.): *British Foreign Policy. The New Labour Years*, Basingstoke: Palgrave, 1-27.
- Dathan, Matt (2016b): It's Still Special. John Kerry meets Boris Johnson to Tell Him the US-UK Relationship Remains an 'Unbreakable Bond', *Daily Mail*, 19 July.
- Dator, Jim, ed. (2002) *Advancing Futures: Futures Studies in Higher Education*. London, UK: Praeger.
- Dormandy, Xenia, (2013), *UK Government Foreign Policy towards the United States*, Chatham House: Royal Institute of International Affairs.
- Dumbrell, John (2006): *A Special Relationship. Anglo-American Relations from the Cold War to Iraq*, 2nd edition, Basingstoke: Palgrave.
- Dunn, David Hastings and Avenell, Edward (September 2016) *US-UK Special Relationship*, available in: <https://dx.doi.org/10.1093/obo/9780199743292-0189>
- Dyer, Geoff/Sevastopulo, Demetri/Lynch, David J. (2016): *UK-US Special Relationship Shaky Following Brexit Vote*, *Financial Times*, 26 June 2016, available at: <https://www.ft.com/content/0c71dc88-3b8b-11e6-9f2c-36b487ebd80a>.

- Economist(April 19, 2018) Jeremy Corbyn’s Pacifist Illusion. <https://www.economist.com/britain/2018/04/19/jeremy-corbyns-pacifist-illusion>
- Foster, Peter (2016): EU Referendum: Britain Turning Away from World as Brexit Vote Looms, Survey Shows, The Telegraph, (13 June 2016), available at: <http://www.telegraph.co.uk/news/2016/06/13/eu-referendum-britain-turning-away-from-world-as-brexit-vote-loo/>.
- Gaskarth, Jamie (2013): British Foreign Policy, Cambridge: Polity Press.
- Gov.UK, (27 January 2017) PM Press Conference with US President Trump, available in: <https://www.gov.uk/government/speeches/pm-press-conference-with-us-president-donald-trump-27-january-2017>
- Greeuw, Sandra C. H. et al. (2000): Cloudy Crystal Balls: An assessment of recent European and global Scenario studies and Models, Copenhagen: European Environment Agency (Environmental issues series 17)
- Haines. John R. (2017). “Divining a Trump Doctrine”. Journal Orbis. Vol.61 (1), pp. 125-136.
- Hamilton, Daniel S. and Quinlan, Joseph P. (2018) Center for Transatlantic Relations, Johns Hopkins University School of Advanced International Studies and the American Chamber of Commerce to the European Union, The Transatlantic Economy 2018, p. viii, 5-8, 146.
- HARRIS, Robin, (2002) „The state of the special relationship”, Policy Review, no.113. available in: <http://www.policyreview.org/JUN02/harris.html>
- Harvey, Oliver (2016): Trump: Britain Better Off Out, Sun, 27 June, 1.
- Hope, Christopher, (24 April 2016), “Barack Obama: Intelligence sharing between UK and US would not be affected by Brexit”, Available at: <http://www.telegraph.co.uk/news/2016/04/24/barack-obama-intelligence-sharing-between-uk-and-us-would-not-be>.
- Hopkins,Nick and Borger, Julian(1 August 2013) ‘NSA Pays £100m in Secret Funding for GCHQ’, The Guardian, available in:

- <http://www.theguardian.com/uk-news/2013/aug/01/nsa-paid-gchq-spying-edward-snowden>.
- Hurewitz, j.c(1956) Diplomacy in the Near and Middle East, Vol. II a Documentary Record 1914-1956 Hardcover.
 - International Centre for Counter-Terrorism(April 2016)The Foreign Fighters Phenomenon in the European Union.
 - Kahn, H., and Wiener, A., J. (1967) The Year 2000 – a Framework for Speculation on the Next Thirty Three Years. New York: Macmillan.
 - Kampfner, John(2004) Blair's Wars,London: Free Press.
 - Kupchan, Charles A (2010) How Enemies Become Friends: The Sources of Stable Peace,Princeton: Princeton University Press.
 - Macaskill, E. (10 February 2016). UK to send five ships to Baltic as part of NATO buildup against Russia. The Guardian.
 - Major,Claudia and von Ondarza, Nicolai(2018) No “Global Britain” after Brexit, Stiftung Wissenschaft und Politik. available in: https://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/products/comments/2018C24_mjr_orz.pdf
 - Makridakis, s. and Wheelwright,s. (1989),forecasting methods for management, 5th. Ed, jhon wily, and sons, inc.
 - Martill, Benjamin and Sus, Monika(2018) Known Unknowns: EU Foreign, Security, and Defence Policy after Brexit,London: Dahrendorf Forum,pp. 20–21. available in: <https://www.dahrendorf-forum.eu/publications/known-unknowns/>
 - May(25 January 2016)Reuters, Any UK-U.S. trade deal will put Britain first: PM
 - May, Theresa (2017): Prime Minister’s Speech to the Republican Party Conference 2017, 26 January, available at: <https://www.gov.uk/government/speeches/prime-ministers-speech-to-the-republican-party-conference-2017>.
 - Mietzner, D. & Reger, G., (2005) Advantages and disadvantages of scenario approaches for strategic foresight. Int. J. Technology Intelligence and Planning, Volume Vol. 1.

- Miglietta, J. P. (2002). *American Alliance Policy in the Middle East 1945-1992; Iran, Israel, and Saudi Arabia*. Lanham: Lexington Books.
- Ministry of Defence(2017) *Annual Report and Accounts 2016–2017*, HC 21 (London: HM Government, 2017), 24.
- Mortimer, C. (18 March 2017). First of 800 UK troops arrive in Estonia to face off against Putin as part of NATO show of strength. *Independent*. Available at: <https://www.independent.co.uk/news/world/europe/uk-troops-deploy-estonia-baltic-nato-russia-security-threat-military-a7636456.html>
- Nassauer, J.I., Corry, R. C. (2004). Using normative scenarios in landscape ecology. *Landscape Ecology*, 19: 343-356.
- Niblett, Robin (2015): *Britain, Europe and the World. Rethinking the UK's Circles of Influence*, London: Chatham House.
- Obama (2008) "Europe must do more in Afghanistan", from: <http://www.reuters.com/article/2008/02/29/us-usa-politics-obama-afghanistanidUSN2861811220080229>
- Obama, Barack (25 May 2011) *Speech to UK Parliament, Westminster Hall, London*, <http://www.bbc.co.uk/news/uk-politics-13549927>.
- Office of the Prime Minister(2015) *National Security Strategy and Strategic Defence and Security Review: A Secure and Prosperous United Kingdom (SDSR)*, Cm. 9161 (London: HM Government, 2015).
- Oliver, Tim (2016): *The World after Brexit: From British Referendum to Global Adventure*, *International Politics*, 53 (6), 689-707.
- Peach, Stuart (December 14, 2017) "Annual Chief of the Defence Staff Lecture 2017," RUSI, https://rusi.org/sites/default/files/20171214-rusi-cds_annual_lecture-acm_peach.pdf.
- Prime Minister's Speech to the Gulf Co-operation Council, (December 7, 2016), available in, <https://www.gov.uk/government/speeches/prime-ministers-speech-to-the-gulf-co-operation-council-2016>.

- Rees, Wyn (2017) “America, Brexit and the Security of Europe,” *British Journal of Politics and International Relations* 19, no. 3. pp. 558–72.
- Revesz, Rachael (2016): Boris Johnson: Obama Moves to Preserve US-UK Special Relationship ‘Irrespective of Specific Personalities’, *Independent*, 14 July, available at: <http://www.independent.co.uk/news/world/americas/boris-johnson-theresa-may-president-barack-obama-telephone-call-special-relationship-irrespective-a7137526.html>.
- Richelson, Jeffrey T. and Ball, Desmond (1990) *The Ties That Bind: Intelligence Cooperation between the UKUSA Countries—the United Kingdom, the United States of America, Canada, Australia and New Zealand*, London: Unwin Hyman Ltd.
- Ripply, J. (1946) *Historical Evolution of Hispanic America*, New York (Oxford)
- Roberts, Dan and Smith, David (2016): US and UK Special Relationship is ‘Enduring’, *Obama Says after Brexit*, *Guardian*, 24 June.
- Rynhold, J (2014) *American Grand Strategy and the Arab-Israeli Conflict*, Bar-Ilan University, American Political Science Association Annual Conference, Washington DC. Available at: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2453593
- Shambaugh, David (2013) ‘Assessing the US ‘Pivot’ to Asia’, *Strategic Studies* 7/2, pp. 10-19. available in: https://www.airuniversity.af.edu/Portals/10/SSQ/documents/Volume-07_Issue-2/Shambaugh.pdf
- Stephens, Philip (2010) “UK Foreign Policy: Shrunken Ambitions”, *Financial Times*.
- Thatcher, Margaret (1988) *Speech at the College of Europe, Bruges*, in R. Harris, op, cit. pp. 315- 325
- *The Economist* (31 March 2010) “An Interview with David Cameron: The Transcript of our Chat with the Conservative Leader.”
- Trump, Donald (2017): *PM Press Conference with US President Donald Trump*, 27 January, available at:

<https://www.gov.uk/government/speeches/pm-press-conference-with-us-president-donald-trump-27-january-2017>.

- Vreeker, R., (2008) Sustainable Urban Development Vol. 3: The Toolkit for Assessment, This Edition Published in the Taylor & Francis e-Library.
- Whitman, Richard G. (2016): Brexit or Bremain: What Future for the UK's European Diplomatic Strategy, International Affairs 92 (3), 509-529.